

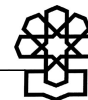
# استراتژی کشورهای اسلامی در گفتمان حقوق بشر

این گزارش خلاصه رساله دکتری آقای محمدحسین مظفری با  
موضوع و نقش کشورهای اسلامی در توسعه و تحول نظام  
بین‌المللی حقوق بشر است

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	۱. مشارکت کشورهای اسلامی: از افسانه تا واقعیت
۴	۱-۱. مدعیان مشارکت
۸	۱-۲. نافیان مشارکت
۱۵	۱-۳. نفی استقطاب
۱۶	۲. استراتژی کشورهای اسلامی
۱۷	۲-۱. فقدان استراتژی
۲۰	۲-۲. استراتژی جایگزینی
۲۴	۲-۳. استراتژی تکمیلی
۲۸	۲-۴. استراتژی استحاله
۳۲	۲. راهکارهای پیشنهادی
۳۴	۳-۱. ایجاد ترتیبات منطقه‌ای
۳۴	۳-۲. ایجاد رکن مشورتی
۳۵	۳-۳. اجتناب از توسعه‌گرایی
۳۵	۳-۴. آمادگی نرم‌افزاری
۳۶	نتیجه‌گیری



## استراتژی کشورهای اسلامی در گفتمان حقوق بشر

### چکیده

مسئله حقوق بشر همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات چالش‌برانگیز کشورهای اسلامی بوده است. وجود تفاوت‌های مبنایی و برداشت‌های مختلف از موارد موضوع این حقوق باعث شده است کشورهای اسلامی همواره درباره عملکرد خود در این حوزه با اتهامات گسترده نقض حقوق بشر مواجه شوند. گزارش حاضر به دنبال آن است که نقش کشورهای اسلامی در تدوین و توسعه نظام بین‌المللی حقوق بشر و چگونگی و میزان این مشارکت را تبیین نماید.

در این راستا رویکردهای مختلف نسبت به مسئله حقوق بشر در کشورهای اسلامی بیان و به بررسی آنها پرداخته شده و در نهایت راهکارهایی جهت افزایش مشارکت کشورهای اسلامی در گفتمان حقوق بشر با حفظ اصول اسلامی بیان می‌گردد.

### مقدمه

موضوع مشارکت کشورهای اسلامی<sup>۱</sup> در تدوین و توسعه نظام بین‌المللی حقوق بشر موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه شماری از متفکران و نویسندگان مسلمان و حقوقدانان و فعالان جنبش حقوق بشر در کشورهای غربی را به خود جلب کرده است. پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی،<sup>۲</sup> گروهی از متفکران و نویسندگان مسلمان درصدد تطبیق مفاهیم و آموزه‌های حقوق بشر با تعالیم دین اسلام برآمده و کوشیدند با نگاهی گزینشی در متون اسلامی مستندات جست‌وجو کنند که به‌زعم آنان با معیارهای مندرج در اعلامیه جهانی انطباق دارد.

شاید از دهه ۱۹۷۰ میلادی بود که بعضی از متفکران مسلمان و رهبران سیاسی آنان این ادعا

۱. در این تحقیق، کشور اسلامی به کشوری اطلاق می‌شود که در حال حاضر در سازمان کنفرانس اسلامی عضویت داشته باشد، هر چند قلمرو زمانی و دوره مورد مطالعه در تحقیق حاضر، دوره‌هایی تاریخی را شامل می‌شود که در قلمرو معینی از آن هنوز سازمان کنفرانس اسلامی تشکیل نشده بود. در نتیجه، با این معیار به سهولت می‌توان شمولى یا عدم شمول این تعریف را درباره هر کشور احراز کرد و عضویت فعلی آنها را به گذشته و به دوران قبل از تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی نیز تسری داد. کشورهای اسلامی عضو ملل متحد در دهه ۱۹۴۰ عبارتند از: ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، لبنان، مصر و یمن.

۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر طی قطعنامه ۲۱۷ مجمع عمومی در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید. برای اختصار از این پس در این تحقیق با عنوان «اعلامیه جهانی» از آن یاد می‌شود:

Universal Declaration of Human Rights, G.A. Res. 2 17A (III), U.N. GAOR Res. 71, U.N.Doc. A18 10 (1948).

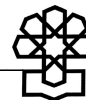


را مطرح کردند که معیارهای فعلی حقوق بشر بین‌المللی و سازوکارهای اعتلا و اجرای آنها به اندازه لازم جهان‌شمول نیستند و در بسیاری از سنت‌های فرهنگی مشروعیتی ندارند. زیرا بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی در روند تدوین آنها مشارکت نداشته‌اند. به دنبال طرح این ادعاها بود که مراکز علمی و پژوهشی در کشورهای غربی به تکاپو افتاده تا مبانی مشروعیت نظام بین‌المللی حقوق بشر را تبیین و کشورهای اسلامی را به تعهدات موجود در آن ملزم کنند.

بعضی از متفکران ریشه مباحثات گسترده درباره گفتمان حقوق بشر در کشورهای اسلامی را به تعارض معیارهای حقوق بشر با احکام شریعت اسلامی مرتبط می‌کند. این دسته از متفکران مخالفت کشورهای اسلامی با نظام بین‌المللی حقوق بشر را به تعارض قواعد و معیارهای حقوق بشر با احکام شریعت اسلامی از قبیل نابرابری از لحاظ جنسیتی و دینی، ارتداد و آزادی دین و احکام و مقررات دیه و ارث محدود و مربوط می‌دانند. ما در این گزارش نمی‌خواهیم آن مباحثات دینی و فلسفی و نظری را مطرح کرده و از دیدگاهی ایدئولوژیک یا رویکردی کلامی و فقهی نظرات تازه‌ای را در باب اسلام و حقوق بشر مطرح کنیم. بنابراین، هر چند شریعت اسلامی موضوعی مهم در گفتمان حقوق بشر در کشورهای اسلامی محسوب می‌شود، اما این مسئله تنها بخشی از مسئله حقوق بشر را در این کشورها تشکیل می‌دهد.

این گزارش می‌خواهد نقش کشورهای اسلامی در تدوین و توسعه نظام بین‌المللی حقوق بشر و چگونگی و میزان این مشارکت را مطالعه کند. شاید بتوان ادعا کرد که تمامی کسانی که به موضوع گفتمان حقوق بشر در کشورهای اسلامی پرداخته‌اند، با نوعی نگرش اثباتی یا سلبی بدان نگرسته‌اند. مدعیان مشارکت کشورهای اسلامی در توسعه و تدوین نظام بین‌المللی حقوق بشر ادعا می‌کنند این کشورها در جریان شکل‌گیری این نظام حضور داشته‌اند و در نتیجه به‌علت مشارکت در تدوین این نظام یا به‌علت عضویت در سازمان ملل متحد و تصویب معاهدات حقوق بشری به تعهدات موجود در نظام بین‌المللی حقوق بشر ملتزم شده‌اند. نتایج دیگر این فرضیه این است که کشورهای اسلامی امروزه نمی‌توانند با دستاویز تعارض مقررات بین‌المللی حقوق بشر با احکام شریعت اسلامی یا قوانین داخلی خود از اجرای این معیارها و در واقع از تعهدات بین‌المللی خود طفره روند. در مقابل، نافیان مشارکت می‌گویند کشورهای اسلامی در ایجاد این نظام نقشی نداشته و این نظام فاقد هرگونه مشروعیتی در بین ملت‌های مسلمان است. نتیجه‌ای که از دل این فرضیه بیرون می‌آید این است که بایستی اسناد حقوق بشر و از جمله اعلامیه جهانی مورد بازنگری قرار گرفته و نظرات کشورهای اسلامی در آنها لحاظ شود.

نویسنده در این گزارش می‌خواهد نقاط قوت و ضعف هر یک از این دو رویکرد را ارزیابی کرده و کاستی‌ها و نارسایی‌های آن دو را بشناسد و با بهره‌گیری از این مطالعه رویکردی را ارائه



کند که هم با واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی انطباق داشته باشد و هم نارسایی‌ها و مشکلات رویکردهای رقیب را نداشته باشد. این مقاله همچنین می‌خواهد با رد هر دو رویکرد سلبی و ایجابی نشان دهد که نظام بین‌المللی حقوق بشر تکاملی تدریجی داشته و کشورهای اسلامی نیز به تناسب این تکامل تدریجی، با استراتژی‌های مختلفی در توسعه و تحول آن مشارکت داشته‌اند. بنابراین، ابتدا دیدگاه‌های رقیب در باب مشارکت کشورهای اسلامی در تدوین و توسعه نظام بین‌المللی حقوق بشر را مطالعه خواهیم کرد. پس از آن استراتژی کشورهای اسلامی در گفتمان حقوق بشر را بررسی کرده و سرانجام راهکارهای برآمده از این مطالعات را ارائه خواهیم کرد.

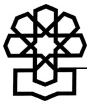
### ۱. مشارکت کشورهای اسلامی: از افسانه تا واقعیت

از زمان تدوین و تصویب اعلامیه جهانی همواره مباحثات بسیاری درباره سازگاری و موافقت اسلام با مقررات بین‌المللی حقوق بشر یا عدم سازگاری آنها در جهان اسلام و خارج از دنیای اسلام مطرح بوده است.<sup>۱</sup> با گذشت نزدیک به شصت سال از زمان تصویب اعلامیه جهانی، موضوع حقوق بشر در جهان اسلام همواره آوردگاه آرا و نظریات مختلف و گاه متعارض بوده است. آیا مقررات بین‌المللی حقوق بشر با احکام شریعت اسلامی سازگاری دارند؟ چنانچه تعارضی بین معیارهای حقوق بشر با شریعت اسلامی وجود داشته باشد، تا چه میزان و چگونه می‌توان این تعارضات را حل و فصل کرد؟ در سطح بین‌المللی کشورهای اسلامی باید چه موضعی داشته باشند؟ آیا پذیرش پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر برای آنها اجتناب‌ناپذیر است و باید آنها را بدون قید و شرط بپذیرند یا آنکه لازم است در چارچوب مقررات شریعت اسلامی و با اعلام حق شرط این پیمان‌نامه‌ها را تصویب کنند؟

این پرسش‌ها و دغدغه‌ها در ۶۰ سال همواره هم دولتمردان کشورهای اسلامی را به چالش طلبیده است و هم متفکران، مصلحان اجتماعی، حقوقدانان و عالمان دینی را در جهان اسلام به اندیشه و کاوش واداشته است. در نتیجه این کاوش‌های نظری و تلاش‌های فکری در این مدت از

---

۱. جهان اسلام یک مفهوم کاملاً روشن و مشخص نیست. در این تحقیق، منظور ما از عبارت «جهان اسلام» یک هویت تمدنی است. این هویت ممکن است از هویت‌های قومی و ملی و فرهنگی اعم باشد یا با برخی از آنها همپوشی داشته باشد. بنابراین، جهان اسلام از نظر این مقاله با هیچ یک از مفاهیم «دارالاسلام» یا «امت واحد اسلامی» انطباق ندارد؛ بلکه یک قلمرو تمدنی است که بدنه اصلی آن را کشورهای تشکیل می‌دهند که بیش از ۵۰ درصد جمعیت آنها مسلمان هستند. این تعریف با مشخصات تمدنی که ساموئل هانتینگتون در اثر مشهورش بیان کرده است، هماهنگی و انطباق دارد. با این حال، بخش‌هایی از آن ممکن است با فرورفتگی‌هایی به قلمرو سایر تمدن‌ها نفوذ کرده یا سایر تمدن‌ها بر قسمت‌هایی از آن تسلط یافته‌اند. کشورهایمانند اتیوپی و هند که به‌رغم هویت تمدنی اصلی خود جمعیت قابل توجهی مسلمان را در خود جای داده‌اند؛ این قلمرو فرعی را به وجود آورده‌اند. فقدان آمار مستند و بی‌طرف به این تعریف آسیبی نمی‌رساند. بدون تردید کشورهایمانند لبنان و مالزی به‌رغم جمعیت قابل توجه غیرمسلمانان در این کشورها، به جهان اسلام تعلق دارند.



زمان تصویب اعلامیه جهانی تاکنون، آثار بسیار ارزشمند و ادبیات گسترده‌ای در باب دیدگاه اسلام درباره حقوق بشر از سوی متفکران و حقوقدانان مسلمان و غیرمسلمان تولید و انتشار یافته است. چنان‌که در سطح رسمی و دولتی نیز در پاسخ به این پرسش‌ها و نگرانی‌ها، ابتکارات مختلفی از سوی کشورهای اسلامی و در قالب سازمان کنفرانس اسلامی تدوین و ارائه شده است. همچنین، ملاحظات هر یک از کشورهای اسلامی درباره معاهدات حقوق بشر در اعلامیه‌های حق شرط شماری از کشورهای اسلامی تجلی یافته است.

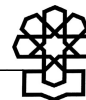
### ۱-۱. مدعیان مشارکت

مدعیان مشارکت به سه دلیل برای اثبات ادعای خود استناد می‌جویند. نخست آنکه شماری از کشورهای اسلامی در زمان تدوین و تصویب اعلامیه جهانی عضو سازمان ملل متحد بوده و به آن رأی مثبت داده‌اند. دوم آنکه هر چند شماری از کشورهای اسلامی در زمان تدوین و تصویب اعلامیه جهانی عضو سازمان ملل متحد نبوده و در آن دوران در تحت سلطه استعماری قرار داشته و در تدوین و تصویب اعلامیه جهانی نقشی نداشته‌اند؛ اما با رسیدن به استقلال و با عضویت در سازمان ملل متحد به رعایت حقوق بشر متعهد شده‌اند و بسیاری از آنها با تصویب و الحاق به پیمان‌نامه‌های مختلف حقوق بشر در توسعه این نظام شرکت داشته‌اند.<sup>۱</sup> سوم آنکه تعدادی از دیپلمات‌های مسلمان در روند تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حضور داشته و مانند نمایندگان سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نقش و وظیفه خود را به‌درستی ایفا کرده‌اند. اینک هر یک از این استدلال‌ها را با تفصیل بیشتری بررسی خواهیم کرد.

اول پیش از این اشاره کردیم که گروهی از پژوهندگان غربی ادعا می‌کنند که در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، بیشتر کشورهای اسلامی نظام بین‌المللی حقوق بشر را پذیرفتند. برای مثال، الیزابت مایر معتقد است که بعضی از کشورهای اسلامی از اعضای بنیان‌گذار ملل متحد بودند و منشور ملل متحد از دولت‌های عضو می‌خواهد که برای اعتلای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بکوشند. سایر کشورهای اسلامی نیز سرانجام به عضویت سازمان ملل در آمدند. از بین تمام کشورهای مسلمان، تنها نماینده عربستان سعودی بود که از پاره‌ای مقررات حقوق بشر انتقاد کرد و ادعا داشت که آن بعضی از مقررات اعلامیه جهانی با حقوق اسلامی سازگاری ندارد و این

۱. برای مثال بنگرید به:

Hicks, Neil; Does Islamist Human Rights Activism Offer a Remedy to the Crisis of Human Rights Implementation in the Middle East?, Vol.24 Human Rights Quarterly, 2002, p. 361-366; Mutua, Makau; Standard Setting in Human Rights Critique and Prognosis, Vol.29 Human Rights Quarterly, 2007, pp.547-595; Modirzadeh, Naz K. ; Taking Islamic Law Seriously: INGOs and the Battle for Muslim Hearts and Minds, Vol.19 Harvard Human Rights Journal, Spring 2006, pp 191-232.



کشور، تنها کشور اسلامی بود که به اعلامیه جهانی رأی مثبت نداد.<sup>۱</sup> بنابراین، تمام کشورهای اسلامی با عضویت در سازمان ملل متحد به رعایت حقوق بشر متعهد شده‌اند. الیزابت مایر معتقد است رژیم‌های غیردموکراتیک و سرکوبگر از نظریه نسبیت فرهنگی و انتقادات وارد بر نظام حقوق بشر به‌عنوان ابزاری برای توجیه رژیم سرکوب بهره می‌گیرند. ارتباط وثیق و محکمی بین حمایت از نسبیت فرهنگی و نقض حقوق بشر وجود دارد:

بسیاری از کشورهای اسلامی به خاطر نقض جدی و آشکار حقوق بشر مقصرند. بنابراین، مصالح سیاسی آنها ایجاب می‌کند که توجیهاتی برای عدم امکان اجرای قواعد بین‌المللی حقوق بشر بیابند. نظام‌های مبارز اسلامی به‌طور عمده سیاست‌های سرکوبگرانه‌ای را اجرا می‌کنند، اما این رژیم‌ها نماینده اراده ملت‌های مسلمان نیستند.<sup>۲</sup>

دونا آرتزت نویسنده دیگری است که می‌کوشد با تحلیل روان‌شناختی این مسائل را ریشه‌یابی کرده و پیامدهای آن را بررسی کند. به نظر وی شکست ملی‌گرایی و سکولاریسم لیبرال در نیل به پیشرفت سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام، این کشورها را در موضع واکنشی و انفعالی قرار داد تا از این طریق تمام تقصیرها را به گردن غربیان بیندازند. ناکامی و احساس ناتوانی مسلمانان موجب شده است تا این کشورها در برابر قدرت‌های خارجی که بایستی به خاطر شکست آنها سرزنش شوند، موضعی رادیکال اتخاذ کنند. به همین علت است که رهبران کشورهای اسلامی تأکید می‌کنند که در اسلام دین از سیاست جدایی ناپذیرند.<sup>۳</sup> وی می‌افزاید:

شکجه و اعدام‌های بدون رسیدگی «سنت‌های اسلامی» به‌شمار نمی‌روند، چنانکه در منطقه آمریکای لاتین چنین رژیم‌هایی «کاتولیک» می‌شوند. بنابراین، تمسک این کشورها به اسلام و آموزه‌های دینی بیشتر دستاویزی برای نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و در واقع، به‌معنای این است که مسلمانان شایسته حمایت از مقررات بین‌المللی حقوق بشر نبوده و فروتر از غربیان هستند.<sup>۴</sup>

دوم بایستی در نظر داشته باشیم که هر چند تعدادی از کشورهای اسلامی در سال ۱۹۴۸ هنوز استقلال خود را به دست نیاورده و در تدوین منشور حقوق بشر مشارکت نداشته‌اند، اما بیشتر کشورهای اسلامی حاضر در سازمان ملل نیز در زمان تدوین اعلامیه جهانی با مقررات آن مخالفت نکرده و در رأی‌گیری نیز به اعلامیه رأی مثبت دادند:

بسیاری از کشورهای اسلامی میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر را امضا کرده‌اند و دست‌کم به صورت رسمی اعتبار قواعد بین‌المللی حقوق بشر را تأیید می‌کنند. عربستان سعودی و ایران

1. Mayer, Ann Elizabeth, Universal Versus Islamic Human Rights: A Clash of Cultures or A Clash with a Construct? Vol.15, Michigan Journal of International Law, 1993-1994 pp 308-311.

2. Ibid. p.373.

3. Donna E. Arzt, Heroes or Heretics Religious Dissidents Under Islamic Law, Vol.14 Wisconsin International Law Journal, 1995 1996, p.365.

4. Ibid



پس از انقلاب ادعا می‌کنند که تعهدات دینی آنها را وادار می‌کند تا در نظام‌های حقوق داخلی خود حقوق اسلامی را برتری بخشند. در اینجا است که تعارض بین حقوق اسلامی و بین‌الملل آشکار می‌شود. اما ممکن است علل دیگری نیز برای رد حقوق بین‌الملل مطرح باشد. اتخاذ یک سیاست رسمی برای رد حقوق بین‌الملل به منظور پیروی از شریعت اسلامی الزاماً از تعهد صاحبان قدرت - به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی - ناشی نمی‌شود، بلکه صرفاً می‌تواند پوشش مناسبی برای انکار آزادی‌هایی باشد که دولت‌ها برای تأمین منافع خود آنها را محدود می‌کنند.<sup>۱</sup>

این نویسندگان با اشاره به جریان نواندیشی دینی و نوگرایی در تفسیر شریعت و فهم آموزه‌های دینی استدلال می‌کنند که دین اسلام و احکام شریعت اسلامی، تعارض حل‌ناشدنی و عمده‌ای با قواعد و معیارهای بین‌المللی حقوق بشر ندارد. با این حال، برخی از رژیم‌های تمامیت‌خواه در جهان اسلام به دلایل و انگیزه‌های سیاسی می‌کوشند شریعت اسلامی را پوشش و دستاویزی برای نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشر قرار دهند.<sup>۲</sup>

همچنین، ادعا می‌شود که شماری از کشورهای اسلامی در زمان تدوین و تصویب اعلامیه جهانی عضو سازمان ملل متحد بوده و به آن رأی مثبت داده‌اند. اما شمار دیگری که در آن دوران در سلطه استعماری قرار داشته و در تصویب اعلامیه جهانی نقشی نداشته‌اند، با رسیدن به استقلال و تصویب قانون اساسی خود به مقررات حقوق بشر متعهد شده‌اند. گفته می‌شود حتی قبل از تصویب اعلامیه جهانی ۸۲ درصد قوانین اساسی که بین سال‌های ۱۷۸۸ تا ۱۹۴۸ تصویب شده‌اند، به نوعی مشتمل بر حمایت از حقوق بشر هستند. بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۵ این میزان به ۹۳ درصد افزایش یافت. هر چند فیلیپ آلستون پس از نقل این آمار و ارقام، بی‌درنگ با اذعان و اعتراف به این صورت‌گرایی و فرمالیسم می‌افزاید که تجربه نشان داده است بسیاری از آنها از واقعیت‌های این جوامع فاصله بسیاری دارند و منشور حقوقی که در قوانین اساسی کشورها ذکر می‌شود، غالباً ظاهری آراسته از مشروعیت دمکراتیک حکومت‌ها را ترسیم می‌کنند.<sup>۳</sup> در واقع، آنچه مبنای استدلال نویسندگان غربی و سایر مدعیان مشارکت قرار گرفته است، اعتقاد راسخ و عمیق به نوعی صورت‌گرایی و فرمالیسم افراطی است. با توجه به همین نکات است که این ادعا توسط مدعیان مشارکت تکرار می‌شود که معیارهای مندرج در اعلامیه جهانی وضعیتی جهان‌شمول پیدا کرده است. مقررات اعلامیه جهانی تقریباً در قانون اساسی بسیاری از کشورهای غیرغربی که پس از

1. Ann Elizabeth Mayer, Current Muslim Thinking on Human Rights, in: Al-Na'im, Abdullahi Ahmed; Human Rights in Cross-Cultural Perspectives: A Quest for Consensus, 1997 pp 136-137.

۲. به‌طور کلی بنگرید به:

Monshipouri, Mahmood and Reza Motameni, Globalization, Sacred Beliefs, and Defiance: Is Human Rights Discourse Relevant in the Muslim World?, Vol.42, No.4, Journal of Church and State, winter 2000, P.709-739; Monshipouri, Mahmood; The Muslim World Half a Century After the Universal Declaration of Human Rights: Progress and Obstacles, Vol.16, No.3, Netherlands Quarterly of Human Rights, 1998, pp. 287-314.

3. Ibid. pp.61-62



جنگ جهانی دوم تصویب شده‌اند، وارد شده است. هر چند شوروی و کشورهای اروپای شرقی به اعلامیه جهانی رأی ممتنع دادند، اما در مناسبت‌های مختلف موافقت خود را با آن اعلان کرده‌اند. منشور حقوق بشر و مردمان آفریقا و اعلامیه ۱۹۶۰ اعطای استقلال به کشورها و ملت‌های تحت استعمار به اعلامیه جهانی اشاره و استناد کرده‌اند. مهم‌تر آنکه در اسناد بعدی حقوق بشر که دیدگاه فرهنگ‌های غیرغربی در آنها تجلی یافته است، ما شاهد تحولی اساسی در مفاهیم اعلامیه جهانی نبوده‌ایم.<sup>۱</sup>

سوم سوزان والتز برای استدلال درباره نحوه مشارکت کشورهای اسلامی در تدوین نظام حقوق بشر آن را به مشارکت کشورهای اسلامی و مشارکت دیپلمات‌های مسلمان و عرب دسته‌بندی می‌کند. نکته بسیار جالبی که در این استدلال دیده می‌شود، ذکر اسامی تعدادی از دیپلمات‌هایی است که در دوران تدوین و تصویب اسناد حقوق بشر نمایندگی بعضی از کشورهای اسلامی را برعهده داشته‌اند.<sup>۲</sup> برای مثال، چارلز مالک<sup>۳</sup> و جمیل بارودی<sup>۴</sup> از جمله کسانی هستند که در صدر این فهرست از آنان یاد شده است. گویا وی پنداشته است که هر اسم عربی بر اسلام و مسلمانی دلالت دارد. حال آنکه حتی بسیاری از نمایندگان کشورهای اسلامی فقط منافع سیاسی دولت متبوع خود را نمایندگی می‌کردند و چگونگی مشارکت این کشورها در زمان تدوین اعلامیه جهانی تابعی از گرایش‌های سیاسی آنها در عرصه روابط بین‌المللی بوده است. در نتیجه، در خصوص گفتمان حقوق بشر، بیشتر این نمایندگان به جای ارائه آموزه‌های دینی و دفاع از هویت فرهنگی ملت‌های خود، بیشتر نمایندگی تفکر غربی را برعهده داشته‌اند. هر چند نمی‌توان حضور و مشارکت نمایندگان کشورهای اسلامی را در بعضی از مراحل تدوین اسناد حقوق بشر انکار کرد، اما پرسش این است که همین اظهار نظرهای جزئی و مشارکت محدود نمایندگان این کشورها، تا چه میزانی ناشی از ملاحظات فرهنگی و جنبه‌های دینی بوده است؟ البته این مسئله محل تأمل است و بررسی بیشتری می‌طلبد.

1. Virginia A. Leary, The Effects of Western Perspectives on International Human Rights, in: An-Na'im, Abdullahi A. & Francis Deng (eds), 'Human Rights in Africa: Cross-Cultural Perspectives' Washington D.C. Brookings Institution, 1990 p.23.

2. Waltz, Susan Eileen, Universal Human Rights: The Contribution of Muslim States Human Rights Quarterly - Volume 26, Number 4, November 2004, p.808.

۳. چارلز مالک (۱۹۰۶-۱۹۸۷) شهروندی لبنانی و مسیحی بود که نمایندگی این کشور را کنفرانس سان‌فرانسیسکو برعهده داشت. بیش از نیمی از جمعیت این کشور را در زمان تصویب اعلامیه جهانی مسلمانان تشکیل می‌دادند. چارلز مالک به‌دلیل عضویت در کارگروه تهیه پیش‌نویس، در تدوین اعلامیه جهانی نقش مؤثری داشت. اما به دلیل گرایش‌های فکری و دینی با اعتراض بعضی از نمایندگان کشورهای اسلامی مواجه بود. وی در سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۸ گزارشگر کمیسیون حقوق بشر بود و سپس به ریاست شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل منصوب شد و پس از الینور روزولت به ریاست کمیسیون حقوق بشر رسید. در سال‌های ۱۹۵۶-۱۹۵۸ وزیر خارجه لبنان بود و در سال ۱۹۶۰ به مشاغل علمی بازگشت.

۴. جمیل بارودی نیز شهروندی لبنانی و مسیحی بود که از زمان تشکیل سازمان ملل متحد در اواخر دهه ۱۹۴۰ تا هنگام فوتش در سال ۱۹۷۹ ریاست نمایندگی عربستان را در این سازمان برعهده داشت.



## ۲-۱. نافیان مشارکت

جالب آنکه نافیان مشارکت نیز برای اثبات ادعای خود به همان ادله‌ای استناد می‌جویند که مستمسک و مستند مدعیان مشارکت قرار گرفته بود. در نتیجه، مناسب خواهد بود استدلال این گروه را نیز به اختصار نقل کنیم. دلیل نخست آنکه نظام بین‌المللی حقوق بشر سرشتی غربی دارد و با آموزه‌های دین اسلام سازگاری ندارد. در نتیجه، اعلامیه جهانی به‌رغم مخالفت شماری از کشورهای اسلامی به‌تصویب رسیده است. دوم آنکه بسیاری از کشورهای اسلامی در زمان تدوین و تصویب اعلامیه جهانی عضو سازمان ملل متحد نبوده و در آن دوران در سلطه استعماری قرار داشته‌اند. در نتیجه، این کشورها امکان مشارکت در تدوین این نظام را نداشته‌اند و اعلامیه جهانی فاقد هر گونه مشروعیتی در بین ملت‌های مسلمان است. سوم آنکه هر چند نمایندگان بعضی از دولت‌های اسلامی در مراحل اولیه از پروسه تدوین و تصویب منشور حقوق بشر حضور داشته‌اند، اما این افراد نمایندگان دولت خود بودند و - به استثنای جمیل بارودی نماینده عربستان در شرایطی معین - هرگز ادعای نمایندگی فرهنگ و تمدن اسلامی را نداشته‌اند.<sup>۱</sup> مشابه مبحث پیشین، هر یک از این استدلال‌های اشاره شده را با تفصیل بیشتری مطالعه خواهیم کرد.

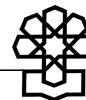
اول مخالفت کشورهای اسلامی با نظام موجود حقوق بشر به معنای مخالفت با آرمان‌ها و آمال مشترک جامعه بشری نیست. کشورهای اسلامی همراه با سایر کشورهای در حال توسعه ادعا می‌کنند که در تدوین نظام موجود حقوق بشر مشارکت نداشته‌اند و این نظام بر خلاف خواست آنها شکل گرفته است. کیشور محبوبانی در مقاله‌ای در مجله فارین افیرز در سال ۱۹۹۳ می‌نویسد: مخالفت و اعتراض بعضی از کشورهای آسیایی و اسلامی در برابر آنچه آنها به‌عنوان تعدیات امپریالیسم کهنه غربی و اروپایی نسبت به سایر جهان می‌خوانند، اعلان این نکته است که بار دیگر نظام سلطه هرگونه سنت یا فرهنگ غیراروپایی را نادیده می‌انگارد.<sup>۲</sup>

این نویسندگان مخالفت‌های موجود را بخشی از معرکه بزرگ‌تری می‌دانند که موضوع اختلافات فرهنگی در باب حقوق بشر ایجاد کرده است و ادعا می‌شود که نظام حقوق بشر بین‌المللی از جهان‌شمولی واقعی بسیار فاصله دارد. در واقع، این نظام بین‌المللی خود نوعی امپریالیسم

---

۱. جمیل بارودی در مناسبت دیگری می‌گوید که هر چند دولت متبوع وی ادعا نمی‌کند که نمایندگی جهان اسلام را برعهده دارد و از طرف تمامی مسلمانان سخن می‌گوید، اما به‌دلیل واقع شدن شهرهای مقدس مسلمانان در این کشور، در موقعیتی قرار دارد که از افکار مسلمانان مطلع شود. زیرا اماکن مقدس مسلمانان که هر ساله زائران بسیاری را از سراسر جهان به خود جلب می‌کند، در این کشور واقع شده‌اند. در نتیجه، نمایندگی این کشور در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند نظرات مسلمانان را درباره این موضوع تفسیر و بیان نماید. بنگرید به :

Official Records of the General Assembly, 15th session, 1960 Third Committee 1026th Meeting, at: 26  
2. Mahbubani, Kishore; The Dangers of Decadence: What the Rest Can Teach the West? Foreign Affairs, September/October 1993, cited in: Leben, Charles; Is there a European Approach to Human Rights?, in: 'The EU and Human Rights'. Philip, Alston (ed.), Oxford University Press, New York, 1999, p.72



فرهنگی است که می‌خواهد ارزش‌های یک فرهنگ را بر سایر فرهنگ‌ها تحمیل کند. با این حال، بایستی به این نکته هم توجه داشته باشیم که استفاده ابزاری از این نظریه موجب بی‌اعتباری آن نخواهد شد، چنانکه استفاده ابزاری دولت‌های غربی از نظام حقوق بشر نباید باعث شود که این آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی کنار گذاشته شوند. برای مثال کریس براون در مقاله‌ای با انتقاد از ادعای جهان‌شمولی حقوق بشر می‌نویسد:

نویسنده مقاله حاضر احتمالاً همراه با بیشتر خوانندگان این مقاله خرسند خواهد شد، چنانچه تمامی افراد بتوانند از حقوق و آزادی‌های غربی و لیبرال بهره‌مند شوند، اما یکی از موانع اصلی برای نیل به چنان دنیایی توسط برخی از فعالان حقوق بشر ایجاد شده است که نمی‌خواهند بپذیرند آرمانی که از آن حمایت می‌کنند لیبرال و غربی است. - این افراد - با پشتیبانی از افسانه حقوق جهان‌شمول و مستقل از ویژگی‌های خاص جوامعی که این حقوق در آن ایجاد شده است، خود را در موضع نادرستی قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>

هیچ تردیدی وجود ندارد که بسیاری از ادبیات موجود درباره حقوق بشر مشتمل بر مفاهیمی مبتنی بر اندیشه‌های غربی است. چنانچه شرایط تدوین و تصویب اعلامیه جهانی را در نظر بگیریم، دلایل تأکید آن بر ارزش‌های غربی مشخص می‌شود. یکی از علل مشخص آن ترکیب اعضای کمیته تدوین پیش‌نویس اعلامیه جهانی، کمیسیون حقوق بشر و مجموعه سازمان ملل است که کشورهای غربی در آن اکثریت داشتند.<sup>۲</sup>

این تأثیر به اندازه‌ای است که چنانچه امروزه اعلامیه جهانی بار دیگر در مجمع عمومی به بحث گذاشته شود، طرح نهایی با آنچه در سال ۱۹۴۸ تصویب شد کاملاً متفاوت خواهد بود. با این حال، ریتلن عالی‌سان ضمن اذعان و پذیرش این مطلب که اعلامیه جهانی در زمانی تصویب شد که بسیاری از کشورهای جهان سوم در سلطه استعماری دولت‌های غربی قرار داشتند، ادعا می‌کند که «مشارکت جهان سوم را نمی‌توان نادیده گرفت».<sup>۳</sup>

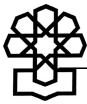
با توجه به چنین ادعاهایی است که این دسته از متفکران و دولتمردان اعلان می‌کنند که اعلامیه جهانی بایستی به‌عنوان یک سند غربی تلقی شود. بنابراین، سایر فرهنگ‌ها و ادیان نیز بایستی اسناد مشابهی برای خود تهیه و تدوین کنند تا از مجموعه آنها بتوان اعلامیه جهانی حقوق بشر را به‌معنای واقعی تدوین کرد.<sup>۴</sup> محمد ارغون استاد تاریخ اندیشه اسلامی در سوربن اعتقاد دارد که نمی‌توان انتظار داشت که تمام فرهنگ‌ها همان راهی را بروند که دو سده است توسط فرانسه و

1. Brown, Chris; Universal Human Rights: A Critique, Vol.1, No.2, The International Journal of Human Rights, 1997 p.42

2. Reteln, Alison Dundes, International Human Rights: Universalism Versus Relativism, London, Sage, 1990, p.30.

3. Ibid. p.53

4. Burns H. Weston and Stephen P. Mark (eds). 'The Future of International Human Rights' Transnational Publishing Inc. New York, 1999, p. 75.



اروپا ترسیم و دنبال شده است. اتخاذ همان راه به معنای این است که سایر فرهنگها باید خودشان را در «یک مدل غربی» توسعه تاریخی و دستاوردهای فکری و هنری آن محدود کنند. این همان تکرار ایدئولوژی‌های استعماری است که انقیاد سایر ملت‌ها و فرهنگها را از طریق صدور تمدنی توجیه می‌کرد که در اروپا به وجود آمده بود. تفکر غربی ثابت کرده است که قابلیت آن را ندارد که در خارج از مدل تاریخی که در اروپا شکل گرفته و با فناوری غربی پشتیبانی شده است، توسعه یافته و بالنده گردد.<sup>۱</sup>

در چنین زمینه‌ای ما شاهد اظهاراتی هستیم که به طور ضمنی مطرح و با اصرار گفته می‌شود که می‌توان رویکردهای دیگر و مدل‌های دیگری از حقوق بشر داشته باشیم که محصول فرهنگهای دیگر است و در آن ویژگی‌های اساسی و اختصاصات آن فرهنگها و تمدن‌ها مد نظر قرار گیرد. بنابراین، مشروعیت اعتلا و گسترش یک مدل حقوق بشر که فرنگیان نیز به خوبی می‌دانند که محصول تاریخ غرب است؛ با مشکلات و چالش‌های اساسی روبه‌رو شده است.<sup>۲</sup>

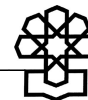
ادله کافی وجود دارد که اعلامیه جهانی آثار غربی را با خود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نخبگان دولتی که در تدوین نظام بین‌المللی حقوق بشر شرکت داشته‌اند، لزوماً نمایندگی نظام‌های ارزشی ملی خود را برعهده نداشته‌اند. این امر موجب شده است تا اعلامیه جهانی حقوقی را در خود جای دهد که با نظام‌های ارزشی موجود در سطح جهان سازگاری نداشته و اعلامیه جهانی برای بسیاری از کشورها به عنوان تحمیل نظام ارزشی بیگانه تلقی شود. یک مطالعه مقدماتی درباره تاریخ و سیر تحول حقوق بشر که توسط دبیرخانه سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ تهیه شد، نشان داد که در دسترس بودن دیدگاه‌های غربی و گمان اینکه دیدگاه‌های غیرغربی قابل دسترسی نیستند، عامل تعیین‌کننده‌ای برای کنار گذاشتن دیدگاه‌های غیرغربی بود.<sup>۳</sup>

نویسندگان آن تحقیق تصمیم گرفتند که آثار مربوط به دوران پیش از قرون وسطی را از قلمرو تحقیق خود خارج کنند، زیرا تصور می‌کردند که مراجعه به آثار تاریخی و کهن کار دشواری خواهد بود. در نتیجه، با این تصمیم بسیاری از تمدن‌های آسیا و آفریقا در خارج از دامنه تحقیق قرار گرفت. حتی در همان قلمرو محدود قرون ۱۲ تا ۱۸ میلادی نیز این افراد مطالعه خود را بر منطقه اروپا و به ویژه انگلستان متمرکز ساختند. زیرا گمان می‌کردند این تمرکز اهمیت خاصی دارد و اطلاعات مشخصی ارائه می‌کند. در نتیجه، عدم تدوین دیدگاه‌های غیرغربی به صورت و زبانی که برای کارمندان سازمان ملل قابل فهم باشد، موجب شد که این دیدگاه‌ها از نخستین مراحل مشاوره

1. Arkoun, Mohammed, le Monde 15 Mrach, 1989, found in: Leben, Charles; Is there a European Approach to Human Rights? op. cit p.72.

2. Ibid. pp.69-70.

3. An-Na'im, Abdullahi Ahmed; Human Rights in Cross-Cultural Perspectives: A Quest for Consensus, op. cit p.346.



و تبیین مفاهیم حقوق بشر دور بمانند.<sup>۱</sup> عبدالله احمد النعیم می نویسد:

بعضی از متفکران و رهبران سیاسی استدلال می‌کنند که معیارهای فعلی حقوق بشر بین‌المللی و سازوکارهای اعتلا و اجرای آنها به اندازه لازم جهان‌شمول نیستند، زیرا این معیارها در بسیاری از سنت‌های فرهنگی مشروعیتی ندارند. در مقابل، دیگران استدلال می‌کنند که این معیارها و ساز و کارها جهان‌شمول هستند، زیرا کشورهای بسیاری در روند تدوین آن مشارکت داشته یا در مراحل بعد اسناد بین‌المللی حقوق بشر را تصویب کرده‌اند. آنها همچنین هشدار می‌دهند که ادعای نسبییت فرهنگی به‌عنوان پوششی برای توجیه نقض حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۲</sup>

وی می‌افزاید که هر چند ممکن است استدلال نخست بهانه‌ای برای توجیه نقض حقوق بشر واقع شود، اما استدلال دیگر نیز ایدئالیسم و فرمالیسم ناروا را جلوه‌گر می‌کند. در نتیجه، او پیشنهاد می‌کند که رویکردی سازنده براساس حقیقت‌جویی مبنای گفت‌وگوی دو طرف قرار گیرد تا از این طریق اعتبار و کارآمدی معیارهای حقوق بشر افزایش یابد.<sup>۳</sup> این واقع‌گرایی نیست که فقدان آشکار مشروعیت واقعی و بدیهی پاره‌ای از معیارهای حقوق بشر را انکار کنیم. زیرا، در برخی از زمینه‌ها تعارض آشکاری بین قواعد فعلی حقوق بشر بین‌المللی با سنت‌های فرهنگی عمده وجود دارد و همین مطلب استدلال نسبییت‌گرایان را قانع‌کننده می‌کند. با این حال، نباید آفات و خطرات نسبی‌گرایی افراطی را هم از یاد برد. از این روی، رویکرد سازنده می‌کوشد از طریق گفت‌وگوی بین فرهنگی و درون فرهنگی مشروعیت جهان‌شمول حقوق بشر را تقویت کند.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، یکی از موادی که در اعلامیه جهانی درج نشد از آن جهت اهمیت دارد که مبین نگرش کشورهای آسیایی بود. مهتا نماینده هند و عضو کمیسیون حقوق بشر پیشنهاد کرده بود که ماده‌ای در خصوص اقلیت‌ها تصویب شود تا از تبعیض علیه آنها جلوگیری شود و به جای سیاست جذب، توسعه فرهنگی آنها را تشویق کند. این پیشنهاد به علت مخالفت کشورهای آمریکای لاتین و ایالات متحده رد شد. طرح این ماده در کمیسیون حقوق بشر و کمیته سوم مباحثات بسیاری را برانگیخت. از این مباحثات مشخص می‌شود که بسیاری از نمایندگان با سیاست جذب اقلیت‌ها موافق و با ترغیب توسعه فرهنگی مستقل آنها مخالف بودند.<sup>۵</sup> اما به نظر می‌رسد بسیاری از فعالان جنبش حقوق بشر به جای پذیرش این واقعیت می‌خواهند با ادعاهای دیگری از این چالش سخت خود را رهایی بخشند. ریپلن می‌گوید:

کسانی که تدوین قواعد بین‌المللی حقوق بشر را برعهده گرفتند، به جای آنکه واقعیت تکثر

1. Ibid

2. Ibid. p.3.

3. Ibid

4. Ibid

5. Verdoodt, Naissance et signification de la Declaration Universelle, pp. 332-34, cited in: Virginia A. Leary 'The Effects of Western Perspectives on International Human Rights' op.cit p.20.



اخلاقی را بپذیرند، از قبول آن اجتناب کردند و برای غلبه بر این اختلاف اساسی، این افراد مجموعه گسترده‌ای از حقوق را در اعلامیه جهانی حقوق بشر درج کردند.<sup>۱</sup>

اینک آشکار شده است که تنها از طریق ارزش‌های مشترک و جهان‌شمول، امکان خواهد داشت که نظریه جهان‌شمولی از موانع موجود عبور کند. اما اختلاف نظر و مباحثات بسیاری درباره اسناد مختلف حقوق بشر مطرح است. زیرا این اسناد حاوی ارزش‌هایی هستند که در سطح جهانی مقبولیت نداشته و مبنای مشترکی ندارند. ادعا این است که به فرض نیت پاک کسانی که اعلامیه جهانی را تدوین کردند، اما زمینه را برای منازعات اجتناب‌ناپذیر آتی فراهم ساختند. افزون بر این پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا این واقع‌گرایی است که انتظار داشته باشیم دولت‌ها از معیارهایی تبعیت کنند که با نظام ارزشی شهروندان آنها سازگاری ندارد؟<sup>۲</sup>

دوم بسیاری از کشورهای اسلامی در زمان تدوین و تصویب اعلامیه جهانی عضو سازمان ملل متحد نبوده و در آن دوران در سلطه استعماری قرار داشته‌اند. در نتیجه، این کشورها امکان مشارکت در تدوین این نظام را نداشته‌اند. بنابراین، تصویب رسمی پیمان‌نامه‌های حقوق بشر مبین رضایت کشورهای اسلامی نبوده و نمی‌توان آن را به‌عنوان مشارکت این کشورها تلقی کرد.

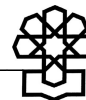
هر چند بعضی از کشورهای مسلمان در رأی‌گیری نهایی به اعلامیه جهانی رأی مثبت دادند و گروه دیگری از کشورهای اسلامی پس از رسیدن به استقلال پاره‌ای از اسناد حقوق بشر را تصویب کردند، اما باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که رأی مثبت یا تصویب شکلی این اسناد هرگز به معنای اعلان رضایت واقعی و آزادانه این کشورها به نظام بین‌المللی حقوق بشر نیست. بسام طیبی با انتقاد از این صورت‌گرایی افراطی تأکید می‌کند که حقوق بشر همچنان در بسیاری از جوامع جهان سوم و از جمله جهان اسلام فاقد مشروعیت است. بنابراین، رضایت رسمی به اعلامیه جهانی ناپیستی ما را از درک این نکته باز دارد که بین دیدگاه جهان‌شمولی حقوق بشر و دیدگاه‌هایی که در فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های دیگر تبلور یافته است، شکاف و گسست عمیقی وجود دارد.<sup>۳</sup> از طرفی، تصویب معاهدات حقوق بشر برای کشورهایی که تازه به استقلال رسیده بودند، نشانه عضویت آنها در جامعه بین‌المللی محسوب می‌شد و این کشورها هرگز قصد نداشتند تا تعهداتی حقوقی را بپذیرند. اهمیت این مطلب در کنفرانس حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفت:

سخنران قبلی اظهار داشت که ملت‌های مختلف پیمان‌نامه‌های حقوق بشر را قبول کرده‌اند. چنین ادعایی یک مطلب سوررئالیستی است که فقط یک حقوقدان - ساده‌لوح - می‌تواند آن را ابراز کند. این قواعد توسط ملت‌ها تصویب نشده‌اند، بلکه توسط گروه کوچکی از حقوقدانان،

1. Reteln, Alison Dundes, *Intrnational Human Rights: Universalism Versus Relativism*, op. cit p.51.

2. Ibid

3. Tibi, Bassam; *The European Tradition of Human Rights and the Culture of Islam*, in: Al-Na'im, Abdullahi Ahmed; *'Human Rights in Cross-Cultural Perspectives: A Quest for Consensus'* op. cit p.138.



دیوانسالاران و متفکرانی تصویب شده‌اند که عمیقاً غرب‌زده بوده و از فرهنگ هموطنان خود به‌طور کلی بی‌اطلاع بوده‌اند.<sup>۱</sup>

چنانچه منظور از مشارکت، تنها حضور نمایندگان رسمی دولت‌ها در این اجلاس‌ها باشد و صرف حضور آنان به این نظام مشروعیت می‌دهد؛ ادعای مشارکت را می‌توان پذیرفت. با این حال، باید در نظر داشته باشیم که مخالفت برخی از کشورهای اسلامی با شکل و محتوای این قواعد هیچ تأثیری در روند تصویب آن نداشت. برای مثال، عربستان سعودی با رأی ممتنع و یمن با عدم حضور در رأی‌گیری، ناخرسندی خود را ابراز کرده بودند.

سوم نکته پایانی به وضعیت حضور نمایندگان کشورهای غیرغربی و به‌طور خاص نمایندگان کشورهای اسلامی در مجامع بین‌المللی مربوط می‌شود. به‌نظر می‌رسد این نمایندگان به جای ارائه آموزه‌های دینی و فرهنگی ملت‌های خود، بیشتر نماینده تفکر غربی بوده‌اند. از طرفی، به علت آنکه در کشورهای در حال توسعه مردم هنوز دیدگاه‌های خود را درباره حقوق بشر تبیین و تدوین نکرده بودند؛ فاقد امکانات نرم‌افزاری، متفکران مستقل با اندیشه‌های مدون و نیز منابع مادی لازم برای مشارکت مؤثر در تدوین این نظام بین‌المللی بودند.<sup>۲</sup>

یک نگاه اجمالی به گرایش‌های فکری و هویت فرهنگی نخبگانی که بر کشورهای آسیایی و آفریقایی حکومت می‌کردند یا نمایندگی آنها را در سازمان ملل برعهده داشتند، در تعیین وضعیت مشارکت آنها در تدوین و تصویب نظام بین‌المللی حقوق بشر بسیار راهگشا خواهد بود. مجمع عمومی وظیفه تدوین پیش‌نویس اعلامیه را به کمیسیون حقوق بشر محول کرده بود. افرادی که بخش مهم مسئولیت تدوین پیش‌نویس را به انجام رساندند، از اروپای غربی یا آمریکا بودند یا اگر اروپایی نبودند، اما در غرب تحصیل کرده بودند. هر چند افراد بسیاری در کمیسیون حقوق بشر یا در کمیته سوم مجمع عمومی عضویت داشتند، ولی تعداد کمی از آنان در تدوین پیش‌نویس اعلامیه جهانی مؤثر بودند.<sup>۳</sup>

تنها نمایندگان غیرغربی عضو کمیته تدوین عبارت بودند از: چانگ پنگ چانگ<sup>۴</sup> از چین و چارلز مالک حبیب از لبنان. هر دو در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل کرده و در جریان مباحثات غرب‌زدگی خود را به اثبات رساندند. برای مثال، هر دو حقوق فردی را بر حقوق جمعی اولویت داده و بر ضرورت حمایت از فرد در برابر دولت تأکید داشتند. فارغ از موافقت یا مخالفت با این موضع‌گیری،

1. Al-Na'im, Abdullahi Ahmed; 'Human Rights in Cross-Cultural Perspectives: A Quest for Consensus' op. cit p.349.

2. Ibid. pp.346-347.

3. Virginia A. Leary, The Effects of Western Perspectives on International Human Rights, op. cit p.20.

۴. چانگ پنگ چانگ (۱۸۹۲-۱۹۵۷) استاد فلسفه و معاون کمیسیون حقوق بشر و نماینده چین در کمیته تدوین اعلامیه جهانی بود. هر چند در چین متولد شده و کشورهای آسیایی را در کارگروه تدوین نمایندگی می‌کرد، ولی در دانشگاه کلمبیا تحصیل کرده بود و پس از مراجعت به چین در دانشگاه نانکایی در تیانجین به‌کار پرداخت.



چنین دیدگاهی به روشنی غربی است تا رویکردی مربوط به آسیا یا خاورمیانه. پنگ چانگ در دانشکده کلارک و دانشگاه کلمبیا در ایالات متحده و چارلز مالک در دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه هاروارد درس خوانده و در این دانشگاه تدریس کرده بود. هر دو در مواضع و مناسبت‌های مختلفی در تدوین پیش‌نویس گرایش‌های فکری و فلسفی خود را به غرب به اثبات رسانده بودند. در یک مورد، مالک نسبت به درج عبارتی در یکی از مواد اصرار می‌ورزید که از اعلامیه استقلال آمریکا اقتباس شده بود، اما پیشنهاد وی رد شد. چانگ نیز در موارد متعددی با موفقیت برای تصویب مواد اعلامیه به نظریات فلسفی قرن هیجدهم اروپا استناد کرده بود.<sup>۱</sup>

البته اعلامیه جهانی در مراحل مختلف تدوین، در کمیسیون حقوق بشر، کمیته سوم مجمع و مجمع عمومی مورد بحث واقع شد؛ اما به نظر می‌رسد بسیاری از نمایندگان آسیایی و آفریقایی وضعیتی مشابه چانگ و مالک داشتند. برای مثال ژنرال کارلوس رومولوس نماینده فیلیپین در سازمان ملل بود. جدای از تحصیلات وی در دانشگاه کلمبیا، مدارک افتخاری دیگری از دانشگاه‌های آمریکا داشت و در جریان جنگ نیز افسر بلندپایه ارتش آمریکا بود. النعیم می‌گوید:

تحصیلات غربی الزاماً مانعی برای تعهد و پایبندی شخص به فرهنگ ملی خود ایجاد نمی‌کند. در واقع شاید این تحصیلات زمینه را برای تقریب بین‌فرهنگی فراهم کند. اما به نظر می‌رسد که چنین امری در خصوص افرادی که در تدوین و تصویب اعلامیه جهانی مشارکت داشته‌اند، صادق نبوده است.<sup>۲</sup>

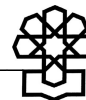
تا جایی که به کشورهای اسلامی مربوط می‌شود، در زمان تدوین و تصویب منشور حقوق بشر نمایندگان بعضی از دولت‌های اسلامی در مراحل از پروسه تدوین آن حضور داشته‌اند، اما این نمایندگان، دیپلمات‌های دولت متبوع خود بودند و ادعا یا شایستگی و توان نمایندگی از فرهنگ و تمدن اسلامی را نداشته‌اند. به همین علت در سال ۱۹۸۷، رجایی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در اعتبار حقوقی اعلامیه جهانی ابراز تردید کرد، زیرا هیچ عالم مسلمان یا فقیهی امکان مشارکت در تدوین اعلامیه جهانی را نداشته است.<sup>۳</sup> عبدالله احمد النعیم، متفکر سودانی نیز با پذیرش اندیشه استقطابی مورد اشاره، در آثار متعدد خود می‌خواهد راهی برای آشتی دو طرف این مباحثه ارائه کند:

بعضی از متفکران و رهبران سیاسی استدلال می‌کنند که معیارهای فعلی حقوق بشر بین‌المللی و سازوکارهای اعتلا و اجرای آنها به اندازه لازم جهان‌شمول نیستند، زیرا این معیارها در بسیاری از سنت‌های فرهنگی مشروعیتی ندارند. در مقابل، دیگران استدلال می‌کنند که این معیارها و

1. Virginia A. Leary, The Effects of Western Perspectives on International Human Rights, op cit p.22

2. An-Na'im, Abdullahi Ahmed; Human Rights in Cross-Cultural Perspectives: A Quest for Consensus, op. cit p.350-352.

3. E/CN.4/sub.2/1987/35, PP. 7-8, para.8.



سازوکارها جهان‌شمول هستند، زیرا کشورهای بسیاری در روند تدوین آن مشارکت داشته یا در مراحل بعد اسناد بین‌المللی حقوق بشر را تصویب کرده‌اند. آنها همچنین هشدار می‌دهند که ادعای نسبیّت فرهنگی به‌عنوان پوششی برای توجیه نقض حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱. نفی استقطاب<sup>۲</sup>

انگاره اصلی این نوشته بر رد این استقطاب استوار شده است، زیرا هر دو نظریه رقیب نظام بین‌المللی حقوق بشر را در حصار اعلامیه جهانی و میثاق‌های حقوق بشر محدود کرده و اندیشه استقطابی آنان، نظام حقوق بشر را در مفاهیم و معیارهای در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ محصور می‌داند و به همین علت از درک تحولات این نظام بازمانده‌اند. در این مقاله برای نظام بین‌المللی حقوق بشر سه مرحله مختلف فرض شده است: دوره شکل‌گیری و تدوین، دوره توسعه و گسترش، و دوره تحول و تکامل. بنابراین، نمی‌توان بدون توجه به این رشد و تکامل تدریجی درباره مشارکت کشورهای اسلامی در نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌صورت ایجابی یا سلبی اظهار نظر کرد.

کشورهای اسلامی در گفتمان حقوق بشر در مراحل مختلف تکامل نظام بین‌المللی حقوق بشر مسیر یکنواختی را طی نکرده‌اند و به همین علت، هیچ یک از انگاره‌های سلبی و ایجابی با واقعیت‌های تاریخی هماهنگی ندارد. از این‌رو، بایستی در نظر داشته باشیم که هر چند کشورهای اسلامی دست‌کم در دوران شکل‌گیری و تدوین نظام بین‌المللی حقوق بشر دارای هویت فرهنگی مستقل و یکپارچه‌ای نبوده‌اند و حتی ممکن است کشور معینی در دوره‌های زمانی مختلف تأثیر متفاوتی بر این نظام گذاشته باشد، اما در دوران توسعه و تحول نظام بین‌المللی حقوق بشر به هویت فرهنگی خاص خود پی برده و با شکل‌گیری گروه اسلامی به‌عنوان یک اردوگاه مستقل فرهنگی در تحول و تکامل این نظام مشارکت داشته‌اند.

مراجعه به اسناد رسمی سازمان ملل و سایر منابع موجود نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی در تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ نقش مؤثری نداشتند. زیرا، اعلامیه جهانی در فضای حاکم بر جامعه بین‌المللی در پایان جنگ جهانی دوم به تصویب رسید که بخش‌های وسیعی از جهان اسلام در سلطه استعماری بود و کشورهای مسلمان عضو ملل متحد نیز عمدتاً از جمله حامیان غرب بودند. به علت آنکه جامعه بین‌المللی از لحاظ ایدئولوژی به دو اردوگاه شرق و غرب تقسیم شده بود، برای نمایندگان کشورهای اسلامی ممکن نبود که در گفتمان حقوق بشر موضع

1. An-Na'im, Abdullahi Ahmed; ed. Human Rights in Cross-Cultural Perspectives: A Quest for Consensus; op.cit. p. 3.

۲. واژه استقطاب یا قطبی کردن برگردان کلمه «Polarization» به زبان عربی است و این نویسنده به‌علت نیافتن واژه مناسب در زبان فارسی، ناگزیر از کاربرد برگردان عربی آن شده است.



یکپارچه و مستقلی اتخاذ کنند. بنابراین، با در نظر گرفتن شرایط یادشده، صرف حضور نمایندگان چند کشور اسلامی در سازمان ملل و رأی مثبت آنان به اعلامیه جهانی فاقد هرگونه ارزش حقوقی است. چنانکه مخالفت آنان نیز هیچ تأثیری بر روند تصویب اعلامیه نداشته است.

## ۲. استراتژی کشورهای اسلامی

مباحثاتی که در مراحل مختلف تدوین اعلامیه جهانی مطرح شده است نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی در آن دوران هنوز نتوانسته بودند به هویت فرهنگی خاص خود پی برده و موضع یکسان و سیاست واحدی را در زمینه حقوق بشر در پیش گیرند. در حالی که بعضی از کشورهای اسلامی مانند سوریه، افغانستان و مصر اعلام کردند<sup>۱</sup> که با بخش‌هایی از اعلامیه جهانی مخالف هستند، نمایندگی عربستان سعودی اعتقاد داشت که علاوه بر بخشی از مقررات اعلامیه جهانی که با قوانین داخلی و احکام شریعت اسلامی تعارض دارد، شالوده و اساس نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز با فرهنگ آنها سر سازگاری ندارد. در مقابل، دسته دیگری از کشورهای مسلمان مانند ایران و ترکیه به تعارض قطعی این مقررات با قوانین داخلی کشورهای خود بی‌اعتنا بودند و به‌نظر می‌رسد با توجه به ملاحظات و دل‌بستگی‌های سیاسی به اعلامیه جهانی رأی مثبت دادند.

در بین کشورهای مسلمان که به اعلامیه جهانی رأی مثبت دادند؛ نمایندگی پاکستان و دیپلمات‌های مسلمان شبه‌قاره وضعیتی استثنایی داشتند و صرف نظر از ملاحظات و دل‌بستگی‌های سیاسی اعتقاد داشتند این قواعد با گوهر و ذات دین اسلام هماهنگی دارد. برای مثال، در مباحثات کمیته سوم محمد حبیب دیپلمات مسلمان به نمایندگی از دولت هند اعلام کرد که قانون اساسی این کشور حق تغییر دین را به رسمیت شناخته است و این حق از جمله شامل ۴۰ میلیون جمعیت مسلمان این کشور می‌شود و به همین علت تصویب پیشنهاد اصلاحی عربستان یک تراژدی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> شایسته اکرام‌الله نیز به نمایندگی پاکستان اعلام کرد که از تصویب اعلامیه جهانی حمایت خواهد کرد. زیرا اعتقاد دارد مردمان جهان باید وجود این معیارهای رفتار متمدنانه را در روابط بین‌المللی به رسمیت بشناسند و در امور داخلی خود اجرا کنند.<sup>۳</sup>

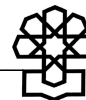
این معرکه آرا نشان داد که علاوه بر اختلافاتی که کشورهای غربی در گفتمان حقوق بشر با

۱. نمایندگان سوریه و عراق در کمیته سوم از پیشنهاد عربستان سعودی حمایت کرده بودند. عزیز نماینده افغانستان نیز اعلام کرد که پیشنهاد نماینده عربستان با باورهای دینی و اجتماعی مردم کشورش هماهنگی دارد و در خصوص مطابقت با احکام اسلامی نسبت و مقررات اعلامیه اعلام تحفظ می‌نماید. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

Official Records of the General Assembly, Third session (part I)1948 Third Committee 128th Meeting, pp. 403-408.

2. Official Records of the General Assembly, Third session (part I)1948, Third Committee 128th Meeting, p. 407.

3. Morsink, Johannes; Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Intent, op cit. p.26.



کشورهای اسلامی دارند، در درون کشورها و جوامع اسلامی نیز اختلاف دیدگاه‌ها فراوان است و در نتیجه، صرف‌نظر از عربستان سعودی که با رأی ممتنع و یمن که با عدم حضور در رأی‌گیری عدم موافقت خود را با اعلامیه جهانی اعلان کردند، آرای سایر کشورهای اسلامی در عمل در اختیار دولت‌های غربی قرار گرفت. رنه کاسین در مقاله‌ای درباره تاریخچه اعلامیه جهانی ضمن یادآوری مخالفت بعضی از کشورهای اسلامی با عبارت ذیل ماده (۱۸) اعلامیه جهانی اعلام کرده است که وجود آن عبارت مانع از رأی مثبت سایر کشورهای مسلمان مانند سوریه، ترکیه، ایران و افغانستان نشد.<sup>۱</sup>

## ۱-۲. فقدان استراتژی

در دوران تدوین و تصویب اعلامیه جهانی کشورهای اسلامی به هویت فرهنگی متفاوت خود پی نبرده و در مباحثات حقوق بشر در ارکان مختلف سازمان ملل دیدگاه‌های متفاوت و گاه متباینی را به نمایش گذاشتند. هر چند بیشتر کشورهای اسلامی در مباحثات کمیته سوم و مذاکرات مقدماتی علائمی از نگرانی نسبت به ویژگی‌های فرهنگی ملت‌های خود بروز داده‌اند، اما در رأی‌گیری نهایی فقط دو کشور یمن و عربستان سعودی براساس این ملاحظات اقدام کردند. در نتیجه، وابستگی سیاسی این کشورها به دولت‌های غربی موجب شد که در عمل آن ملاحظات دینی و فرهنگی را نادیده گرفته و به اعلامیه جهانی رأی مثبت دهند.

ویژگی بارز این دوره این است که کشورهای اسلامی از هویت فرهنگی متفاوت خود آگاهی نداشته و به همین علت نتوانسته بودند با تشکیل گروه کشورهای اسلامی، استراتژی مشخص و یکپارچه‌ای در گفتمان حقوق بشر اتخاذ کنند. مراجعه به اسناد رسمی سازمان ملل و سایر منابع موجود به ما نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی در تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ نقش مؤثری نداشتند. زیرا، اعلامیه جهانی در فضای حاکم بر جامعه بین‌المللی در پایان جنگ جهانی دوم به تصویب رسید که بخش‌های وسیعی از جهان اسلام در سلطه استعماری بود و کشورهای مسلمان عضو ملل متحد نیز عمدتاً از جمله حامیان غرب بودند. به‌علت آنکه جامعه بین‌المللی از لحاظ ایدئولوژی به دو اردوگاه شرق و غرب تقسیم شده بود، برای نمایندگان کشورهای اسلامی ممکن نبود که در گفتمان حقوق بشر موضع یکپارچه و مستقلی اتخاذ کنند. بنابراین، با در نظر گرفتن شرایط یاد شده، کشورهای اسلامی در دوره تدوین راهبرد مشخصی نداشتند و در بین رد و تصویب اسناد حقوق بشر متحیر مانده و نمی‌توان برای حضور نمایندگان چند کشور اسلامی در

1. Found in: Morsink, Johannes; Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Intent, University of Pennsylvania Press, Philadelphia, 1999 p.25.



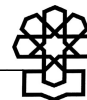
سازمان ملل و رأی مثبت آنان به اعلامیه جهانی ارزش و اعتبار حقوقی در نظر گرفت.

میثاق‌های حقوق بشر هم در فضای دوران جنگ سرد به تصویب رسیدند و دولت‌های غربی موفق شدند به‌رغم مخالفت سایر کشورها و از جمله کشورهای اسلامی با تقسیم قواعد حقوق بشر به دو بخش حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ردای یکپارچه نظام بین‌المللی حقوق بشر را دوپاره کنند. با در نظر گرفتن ماهیت این دو میثاق که در واقع دو معاهده بین‌المللی محسوب می‌شدند و دولت‌ها باید با رضایت کامل تعهدات آن را بپذیرند، برخی از کشورهای اسلامی توانستند تغییرات جزئی در پاره‌ای از مقررات میثاق ایجاد کنند. با این حال، این تغییرات جزئی را نمی‌توان به‌عنوان مشارکت کشورهای اسلامی در شکل‌گیری و تدوین به حساب آورد. مگر آنکه در مفهوم واژه مشارکت تصرف کرده و صرف شرکت نمایندگان کشورهای اسلامی در مراحل از مباحثات و حضور شکلی آنان را آن مشارکت بدانیم. به همین علت است که الیزابت مایر چاره را در آن دیده است که به تصویب این اسناد توسط کشورهای اسلامی استناد کرده و آن را به‌عنوان ابراز رضایت بعدی و در نتیجه الزامی بودن مفاد آن تعبیر کند:

بسیاری از کشورهای اسلامی میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر را امضا کرده‌اند و دست‌کم به‌صورت رسمی اعتبار قواعد بین‌المللی حقوق بشر را تأیید می‌کنند. عربستان سعودی و ایران پس از انقلاب ادعا می‌کنند که تعهدات دینی آنها را وادار می‌کند تا در نظام‌های حقوق داخلی خود حقوق اسلامی را برتری بخشند. در این جاست که تعارض بین حقوق اسلامی و بین‌الملل آشکار می‌شود. اما ممکن است علل دیگری نیز برای رد حقوق بین‌الملل مطرح باشد. اتخاذ یک سیاست رسمی برای رد حقوق بین‌الملل به‌منظور پیروی از شریعت اسلامی، الزاماً از تعهد صاحبان قدرت ناشی نمی‌شود، بلکه صرفاً می‌تواند پوشش مناسبی برای انکار آزادی‌هایی باشد که دولت‌ها برای تأمین منافع خود آنها را محدود می‌کنند.<sup>۱</sup>

اما این دیدگاه را می‌توان در چارچوب رویکرد صورتگرایی افراطی قابل قبول دانست. حال آنکه، عملکرد کشورهای اسلامی که در اعلامیه‌های حق شرط این دولت‌ها تجلی یافته است، با چنان دیدگاهی همخوانی ندارد. از نظر این نویسنده، حتی اگر نظام بین‌المللی حقوق بشر را در دوران شکل‌گیری و تدوین این نظام و در منشور حقوق بشر - اعلامیه جهانی و میثاق‌های حقوق بشر - منحصر بدانیم، باز هم نمی‌توان صرف حضور نمایندگان کشورهای اسلامی را در اجلاس‌ها و رأی‌گیری‌ها به‌عنوان مشارکت کشورهای اسلامی تفسیر کرد. زیرا، دولت‌های غربی در این دوره در سازمان ملل اکثریت را حائز بودند و تلاش نمایندگان کشورهای اسلامی برای ایجاد تغییراتی در اسناد این دوره با موفقیت اندکی همراه شد.

1. Mayer, Ann Elizabeth, Current Muslim Thinking on Human Rights op cit. pp 136-137.

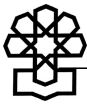


ناکامی مسلمانان در داشتن هرگونه سهمی در تدوین اعلامیه جهانی که در واقع ساختار کلی و شالوده نظام حقوق بشر را طراحی کرده بود، آنان را از امکان مشارکت در شکل‌گیری این نظام یا احتمال تأثیر بر آن ناامید کرد. از طرفی شرایط حاکم بر جامعه بین‌المللی نیز تغییر چندانی نکرده بود و فضای جنگ سرد همچنان بر آن حکم‌فرما بود. با این حال، در جامعه بین‌المللی تحولاتی روی داده بود که اندکی وضعیت را به نفع کشورهای اسلامی رقم زده بود. عامل نخست، تعداد کشورهای مسلمان بود که در اثر نهضت استعمارزدایی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد فزاینده‌ای یافته بود. تعداد کشورهای مسلمان عضو ملل متحد از ده عضو در زمان تصویب اعلامیه جهانی به بیست و یک عضو در هنگام تصویب میثاق‌های حقوق بشر رسیده بود.

به‌نظر می‌رسد در سال‌های پس از تصویب اعلامیه جهانی درباره تأثیر غرب بر نظام بین‌المللی حقوق بشر، چند نکته مهم قابل تشخیص است: نخست آنکه به تدریج تسلط غرب در تدوین معیارهای حقوق بشر کاهش یافته است. دیگر آنکه به‌نظر می‌رسد خود غرب نیز در مسائل راجع به حقوق بشر دیگر انسجام گذشته را نداشت. سوم آنکه کشورهای در حال توسعه با انگیزه‌های جدی‌تر و شمار فزون‌تری به این گفتمان وارد شده بودند. در اینجا می‌توان به تأثیر دیدگاه‌های غربی در تدوین میثاق‌های حقوق بشر و تحول مفهوم حق توسعه اشاره کرد. تهیه و تدوین اعلامیه جهانی تنها دو سال وقت سپری کرد، اما تدوین دو میثاق بین‌المللی که پس از اعلامیه جهانی به تصویب رسید، ۲۰ سال به طول انجامید. این اختلاف زمان می‌تواند مشکلات مربوط به این دو طرح مختلف را نشان دهد. دیدگاه‌های تدوین‌کنندگان اعلامیه تا حدودی به هم متجانس بود و کشورهای غربی در مجمع عمومی اکثریت داشته و از رویکردهای سنتی غرب درباره حقوق حمایت می‌کردند. به‌رغم برخی اختلاف نظرهایی که بین دمکراسی‌های غربی و دولت‌های سوسیالیستی اروپای شرقی رخ داد، تصویب اعلامیه جهانی با مخالفت مهمی مواجه نشد.<sup>۱</sup>

عامل مهم دیگر سرشت میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر بود. این میثاق‌ها به لحاظ آنکه معاهده محسوب می‌شدند، بایستی به تصویب دولت‌ها برسند تا عضو میثاق به‌شمار آیند. در نتیجه، این بار کشورهای مسلمان عزم خود را جزم کرده بودند تا شاید بتوانند بعضی از ناکامی‌های گذشته را جبران کنند. در این گفتار توجه خود را به همان موضوعاتی معطوف خواهیم کرد که در زمان تدوین اعلامیه جهانی مورد توجه بیشتر نمایندگان کشورهای اسلامی بوده و گویا مهم‌ترین زمینه‌های تعارض گفتمان اسلامی و غربی را تشکیل می‌دهد.

1. Alston, Philip; The Universal Declaration, op cit. pp 61-62.



## ۲-۲. استراتژی جایگزینی

تحولاتی که در نظام سیاسی برخی از کشورهای مسلمان به وجود آمده بود، و شمار فزاینده نمایندگان کشورهای مسلمان در سازمان ملل، شرایطی را به وجود آورد که مسلمانان، دستکم در باب حقوق بشر گروه اسلامی را تشکیل داده و به نیروی مؤثری تبدیل شوند. در نتیجه، هنگامی که در سال ۱۹۸۱ اعلامیه امحای تمامی اشکال ناشکیبایی دینی به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، نمایندگان دولت‌های غربی تنها از طریق مصالحه با گروه اسلامی توانستند اعلامیه رفع ناشکیبایی دینی را تصویب کنند. به همین دلیل، این گروه توانست با کسب امتیاز تغییرات مهمی را در مقررات اعلامیه ناشکیبایی دینی ایجاد کند که ضمن عدول از اسناد سابق، به الگویی برای تدوین اسناد لاحق حقوق بشر تبدیل شد.

کشورهای اسلامی در آغاز در جایگاهی نبودند که در تعیین محتوا و چارچوب آن مؤثر باشند. ساختار و محتوای نظام حقوق بشر بدون کسب نظر آنها طراحی شد و اعلامیه جهانی به‌رغم مخالفت بعضی از کشورهای اسلامی به تصویب رسید. آنها همواره در بین دو گزینه دشوار مخیر بوده‌اند و می‌باید از بین نفی و اثبات یکی را برگزینند، در نتیجه، رأی مثبت بعضی از کشورهای اسلامی به اعلامیه جهانی فاقد هرگونه ارزش واقعی است. اما به تدریج همان مخالفت‌های انفرادی به تشکیل گروه کشورهای اسلامی در سازمان ملل متحد انجامید و این گروه توانست در دهه‌های بعد، تغییرات اندکی را در برخی از مقررات اسناد لاحق ایجاد کند. سرانجام با پیوستن به سایر کشورهای در حال توسعه، به حرکتی نیرومند تبدیل شد و این حرکت امروزه اعتبار جهان‌شمول قواعد حقوق بشر را به چالش می‌خواند.

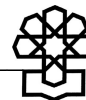
هر چند بسیاری از کشورهای اسلامی همواره ادعا کرده‌اند که قواعد و معیارهای کنونی حقوق بشر محصولی غربی است و در نتیجه با فرهنگ اسلامی هماهنگی و انطباق ندارد، اما شمار بسیاری از آنها میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر را تصویب کرده‌اند.<sup>۱</sup> شمار اندکی از کشورهای اسلامی نیز پروتکل اختیاری میثاق حقوق سیاسی و مدنی را پذیرفته‌اند و فقط یک کشور در جهان اسلام یعنی عربستان سعودی است که حتی یک پیمان‌نامه حقوق بشری امضا یا تصویب نکرده است.<sup>۲</sup>

1. Status of Ratification of the Principal International Human Rights Treaties, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, <http://www.unhchr.ch/pdf/report.pdf>

2. Monshipouri, Mahmood; The Muslim World Half a Century After the Universal Declaration of Human Rights: Progress and Obstacles, Vol.16 No.3, Netherlands Quarterly of Human Rights, 1998 p.306.

لازم به یادآوری است که عربستان سعودی در دهه ۱۹۹۰ میلادی از این سیاست دست کشید و بعضی از معاهدات بین‌المللی حقوق بشر را با حق شرط تصویب کرد. این کشور در ۲۵ فوریه ۱۹۹۶ به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد. همچنین، در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۷ به کنوانسیون منع تبعیض نژادی و کنوانسیون ممنوعیت شکنجه پیوست. در ۷ اکتبر ۲۰۰۰ نیز کنوانسیون زنان را تصویب کرد. بنگرید به:

Status of Ratification of the Principal International Human Rights Treaties as of 09 June 2004 Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, op. cit.



با این حال، شواهد مختلفی نشان می‌دهد که تصویب رسمی این اسناد فاقد هرگونه ارزش واقعی است. آدامانتیا پولس در تبیین این وضعیت استدلال قانع‌کننده‌ای دارد:

برای بسیاری از کشورها تصویب اسناد حقوق بشر اشاره‌ای نمادین از عضویت آنها در جامعه جهانی است، اما از لحاظ محتوایی فاقد هرگونه ارزش است.<sup>۱</sup>

بنابراین، آن دسته از کشورهای اسلامی که معیارهای بین‌المللی را مردود می‌شمارند، در جست‌وجوی طرح‌هایی بدیل و جایگزین با عنوان حقوق بشر اسلامی در صدد برآمدند تا رهیافتی اسلامی طراحی کنند که با آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی آنها انطباق داشته باشد. حقیقت آن است که طرح‌های حقوق بشر اسلامی از ابداعات دوران معاصر هستند و پس از تدوین اصول حقوق بشر در اسناد بین‌المللی از قبیل اعلامیه جهانی پدید آمده‌اند. همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، ادبیات موجود در باب حقوق بشر اسلامی ادعا می‌کند که اسلام از همان زمان ظهورش در قرن هفتم میلادی، معیارهای حقوق بشر خاص خود را ارائه کرده است.

نخستین نشانه‌ها از علاقه و تمایل جوامع اسلامی برای تدوین حقوق بشر اسلامی در دهه ۱۹۸۰ میلادی آشکار شد.<sup>۲</sup> اعلامیه اسلامی حقوق بشر در سال ۱۹۸۱ توسط شورای اسلامی اروپا تدوین شد و در جریان آیینی در مقر یونسکو در پاریس با حضور مقامات چند کشور اسلامی مانند احمد بن بلا از الجزایر، مختار ولد دداه از موریتانی، محمد الفیصل شاهزاده سعودی و مشاور ضیاءالحق رئیس‌جمهور پاکستان به سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ارائه شد. گفته می‌شود شورای اسلامی اروپا به مجمع جهان اسلام (رابطه العالم الاسلامی) که یک سازمان بین‌المللی و غیردولتی است، وابستگی دارد.<sup>۳</sup> اعلامیه اسلامی حقوق بشر صرفاً مبین دیدگاه‌های اسلامی درباره مفاهیم حقوق بشر بوده و دارای ارزش معنوی است. این اعلامیه می‌کوشد تا مفاهیمی از قبیل مسئولیت را که در اعلامیه جهانی نادیده گرفته شده است، با قواعد حقوق بشر پیوند زند.<sup>۴</sup>

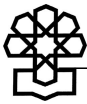
با این حال، اعلامیه حقوق بشر اسلامی فاقد هرگونه ارزش و اعتبار حقوقی است، زیرا، هیچ کشور مسلمان یا سازمان بین‌المللی آن را تصویب نکرده و در نتیجه از نظر کشورهای اسلامی فاقد هرگونه ارزش حقوقی است. از طرفی تدوین‌کنندگان این اعلامیه هرگز ادعا نداشتند که می‌خواهند

1. Pollis, Adamantia; Toward a New Universality; Reconstruction and Dialogue; Vol. 16 No.1, Netherlands Quarterly of Human Rights, 1998, p.9.

2. Universal Islamic Declaration of Human Rights 21 Dhul Qaidah 1401 19September 1981.

3. Mayer, Ann Elizabeth; Islam and Human Rights, Tradition and Politics, Boulder, Colorado: Westview Press, Pinter Publishers, London, 1991, p.27.

۴. تأکید بیش از اندازه اعلامیه جهانی بر حقوق بشر و نادیده گرفتن تکالیف و مسئولیت‌ها در غرب نیز منتقدانی داشته و سرانجام در سپتامبر ۱۹۹۷ گروهی از رهبران سابق کشورها با صدور بیانیه‌ای از سازمان ملل درخواست کردند تا «اعلامیه تکالیف جهانی بشر» را نیز تصویب کند. برای آگاهی از متن این پیشنهاد بنگرید:



آن را جایگزین اعلامیه جهانی کنند. اعلامیه حقوق بشر اسلامی تجلی واقعی رویکرد سنتی و اعتداری به مفاهیم نوین حقوق بشر است و منفعلانه می‌کوشد مفاهیم موجود در اعلامیه جهانی را بر متون دینی تحمیل کند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی در سطح اقدامات رسمی و دولتی نیز شواهد و نشانه‌هایی از تصمیم رسمی دولت‌های اسلامی در مخالفت با نظام بین‌المللی حقوق بشر علنی شد. شاید نخستین اظهارات رسمی در مخالفت با نگرش غالب به حقوق بشر و مخالفت با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر، سخنان رجایی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی ایران باشد که در سال ۱۹۸۳ مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران را در سازمان ملل به این شرح اعلان کرد:

پیمان‌نامه‌ها، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها یا تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی که بر خلاف اسلام باشد، از نظر جمهوری اسلامی هیچ اعتباری ندارند. اعلامیه جهانی حقوق بشر که تبلور برداشتی سکولار از سنت‌های مسیحی و یهودی است، برای مسلمانان قابل اجرا نخواهد بود.<sup>۱</sup>

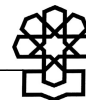
شاید در ابتدا این تصور در بین کشورهای غربی مطرح شده بود که این اظهارات اتفاقی بوده و نباید آن را به‌عنوان دیدگاه رسمی جمهوری اسلامی ایران در قبال نظام بین‌المللی حقوق بشر تلقی کرد. اما در کمال شگفتی و ناباوری غربیان، رجایی خراسانی در ۷ دسامبر ۱۹۸۴ در کمیته سوم مجمع عمومی ضمن اشاره به اظهارات یاد شده، بار دیگر بر این موضع رسمی کشورش تأکید کرد:

از نظر این نمایندگی، مفهوم حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر محدود نمی‌شود. انسان موجودی با منشأ الهی است و کرامت آدمی را نمی‌توان در مجموعه‌ای از قواعد سکولار فروکاست. بعضی از مفاهیم مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر باید اصلاح شود. ایران هیچ مرجعیت و حاکمیتی غیر از خداوند و هیچ سنت حقوقی جز حقوق اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسد. همان‌طور که این نمایندگی پیش از این در اجلاس سی‌وششم مجمع عمومی اعلان کرده است، پیمان‌نامه‌ها، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها یا تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی که بر خلاف اسلام باشد، از نظر جمهوری اسلامی هیچ اعتباری ندارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر که تبلور برداشتی سکولار از سنت‌های مسیحی و یهودی است، برای مسلمانان قابل اجرا نخواهد بود.<sup>۲</sup>

این اظهارات و موضع‌گیری‌ها می‌یابد با توجه به پیشینه و زمینه تاریخی آن مورد مطالعه قرار گیرد. اهمیت اعلان چنان رویکردی در قبال نظام بین‌المللی حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی ایران هنگامی آشکار می‌شود که بدانیم این اظهارات یک رویداد متفرد از سوی یک کشور اسلامی

1. UN Doc. A/C.3 /39 SR.65 96 (1984), Found in: Mayer, Ann Elizabeth, Universal Versus Islamic Human Rights: A Clash of Cultures or A Clash with a Construct? Vol.15 Michigan Journal of International Law, 1993-1994, p. 316.

2. A/C.3/39/SR.65, paras. 9495



نبوده است. این بیانیه‌ها را باید در چارچوب استراتژی کلی کشورهای اسلامی ارزیابی کنیم که در شکل اعلامیه‌های حق شرط در هنگام تصویب معاهدات حقوق بشر تجلی یافته بود. با توجه به این استراتژی است که می‌بینیم کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۱ میلادی اعلامیه حقوق بشر در اسلام را تصویب کرده و منویات خود را آشکار ساختند.<sup>۱</sup>

اعلامیه حقوق بشر در اسلام در ۵ اوت ۱۹۹۰ در نوزدهمین اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی (اجلاس صلح، همبستگی متقابل و توسعه) در قاهره به تصویب رسید. این اجلاس در پی نشست کمیته مشاوران حقوقی که در روزهای ۲۶-۲۸ دسامبر ۱۹۸۹ در تهران برگزار شده بود، تشکیل شد. اعلامیه حقوق بشر در اسلام سرانجام در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ برای تصویب به اجلاس سران کشورها و رؤسای دولت‌های عضو کنفرانس اسلامی که در داکار (سنگال) برگزار شده بود، تقدیم شد.

گام بعدی در کنفرانس ۱۹۹۳ حقوق بشر وین برداشته شد و در این کنفرانس، کشورهای اسلامی به رهبری ایران برای پذیرش اعلامیه حقوق بشر در اسلام به‌عنوان رهیافت جهان اسلام راجع به اعلامیه جهانی بسیار کوشیدند. شواهد چندی وجود دارد که نشان می‌دهد سرانجام ارکان مختلف سازمان ملل متحد و از جمله کمیسیون حقوق بشر و کمیساریای عالی حقوق بشر نیز متقاعد شدند که دیگر نمی‌توانند در برابر این امواج توفنده مقاومت کرده و قواعد حقوق بشر را در چارچوب فکری گذشته حفظ کنند. بنابراین، مقامات و ارکان مختلف ملل متحد نیز همراه با کشورهای در حال توسعه به متزلزل شدن ارکان نظام بین‌المللی حقوق بشر اذعان کرده و راه چاره را در آن دیدند که برای حفظ اعتبار این نظام، امکان ارائه تفسیرهای مختلف از قواعد حقوق بشر را بپذیرند. با تصویب اعلامیه حقوق بشر در اسلام، کشورهای اسلامی در گفتمان حقوق بشر، این اعلامیه را معیار و اصل راهنما و مبنای عمل قرار دادند. برای مثال، سیروس نصری سفیر جمهوری اسلامی ایران در ژنو در پاسخ به پرسش‌های کمیته حقوق بشر در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۲ اعلام کرد:

باید در نظر داشته باشیم که بعضی از کشورهای اسلامی اعلامیه جهانی حقوق بشر را نپذیرفته و شمار بیشتری نیز میثاق حقوق سیاسی و مدنی را تصویب نکرده‌اند. برای این عدم الحاق دلایلی وجود دارد. این استدلال که نمایندگان کشورهای اسلامی در مباحثاتی که منجر به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های حقوق بشر شد مشارکت داشته‌اند، به آسانی قابل رد است. زیرا، واضح است که در آن دوران - مانند امروز - کشورهای اسلامی منزلت سیاسی شایسته خود را به دست نیاورده بودند. با توجه به این امور بود که کشورهای اسلامی اعلامیه

1. Cairo Declaration of Human Rights in Islam; The Nineteenth Islamic Conference of Foreign Ministers (Session of Peace, Interdependence and Development), held in Cairo, Arab Republic of Egypt, from 9-14 Muharram 1411H (31 July to 5 August 1990), Adopted by the Organization of the Islamic Conference in 1990, reprinted in U. N. Doc. A/Conf. 157/PC/62/Add.18 (1993). also available at: <http://www.religlaw.org/interdocs/docs/caihrislam1990.htm>



اسلامی حقوق بشر را تصویب کردند.<sup>۱</sup>

با این حال، شماری از کشورهای اسلامی با این دستاورد مهم قانع نشده و اینک آماده بودند که گام بعدی را برداشته و در صدد اصلاح مهم‌ترین سند نظام بین‌المللی حقوق بشر یعنی اعلامیه جهانی برآمدند. در واقع، این دولت‌ها اعتقاد داشتند که صرف‌نظر از این که می‌توان تفسیرهای متفاوتی از قواعد حقوق بشر ارائه کرد و با رهیافتی اسلامی به نظام بین‌المللی حقوق بشر نگریست، باید سند بنیادین و الهام‌بخش این نظام یعنی اعلامیه جهانی را مورد بازنگری قرار داد تا مبانی مشروعیت نظام بین‌المللی حقوق بشر تقویت شود. بنابراین، در ۱۷ مارس ۱۹۹۸ در آیین جشن زرین که به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی برگزار شده بود، سید کمال خرازی وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران خواستار بازنگری در اعلامیه جهانی شد.<sup>۲</sup>

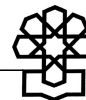
### ۳-۲. استراتژی تکمیلی

انصاف آن است که سخن گفتن از بازنگری و اصلاح اعلامیه جهانی در شرایطی که اختلافات فرهنگی و سیاسی در بین کشورهای عضو ملل متحد روندی فزاینده یافته است، اقدامی افراطی و غیرعملی محسوب می‌شود. باید اذعان کرد که در جهان اسلام نیز آمادگی لازم برای مشارکت در این امر مهم فراهم نشده است. بنابراین، مناسب همان است که در این مرحله کشورهای اسلامی در چارچوب کنفرانس اسلامی ترتیبات منطقه‌ای خاص خود را تدوین و اجرایی کرده و با استفاده از تجربه‌های آن بتوانند در زمان مقتضی با مایه‌های فکری و تجربی لازم در تدوین نظام نوین بین‌المللی حقوق بشر مشارکت کنند.

از این رو، بسیاری از کشورهای اسلامی در مقابل استراتژی جایگزینی، استراتژی دیگری را مطرح کردند که براساس آن طرح‌های اسلامی حقوق بشر برای نظام بین‌المللی جنبه تکمیلی دارد. با استناد به این استراتژی، اقداماتی به‌منظور رسمیت یافتن رویکرد اسلامی درباره اعلامیه جهانی و تحکیم رهیافت اسلامی به‌عنوان برداشت کشورهای اسلامی از حقوق بشر در قالب ارکان ملل متحد صورت گرفت. این هدف بسیار مهم در سال ۱۹۹۷ محقق شد و به‌رغم تعارض ظاهری اعلامیه اسلامی با اعلامیه جهانی، در دسامبر ۱۹۹۷ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در جلد دوم اسناد حقوق بشر، اعلامیه اسلامی را منتشر و اعتبار آن از نظر ارکان سازمان ملل متحد به رسمیت شناخت. جلد اول در دو بخش حاوی اسناد بین‌المللی حقوق بشر و جلد دوم حاوی اسناد منطقه‌ای

1. Official Records of the Human Rights Committee 1992-93, CCPR/12 (International Covenant on Civil and Political Rights), New York/Geneva: UN (ICCPR), 1996, Volume I, 46th session, 1196th meeting, paras. 55-59.

2. UN summary record E/CN.4/1998/SR.2, para.9.



آن است.<sup>۱</sup>

همچنین، کشورهای اسلامی در آیین جشن زرین که به مناسبت پنجاهمین سالگرد صدور اعلامیه جهانی برگزار شد، تلاش‌هایی را به منظور یافتن راهکارهایی برای مشروعیت بخشیدن به نظام حقوق بشر براساس رهیافت‌های اسلامی انجام دادند. ارکان ملل متحد گمان داشتند که این اقدامات زمینه را برای مشروعیت حقوق بشر در جهان اسلام فراهم کرده و کشورهای اسلامی از مخالفت با اصل نظام بین‌المللی حقوق بشر دست خواهند کشید. از این رو، در نوامبر ۱۹۹۸ همایشی تحت نظارت دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در مقر ملل متحد در ژنو برگزار شد. این رویداد مهم تحت عنوان «تقویت جهان‌شمولی حقوق بشر: رهیافت‌های اسلامی درباره اعلامیه جهانی حقوق بشر» در پی‌جویی این هدف مهم بود.

در دعوتنامه ۲۹ اکتبر ۱۹۹۸ مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر که برای تمامی اعضای ارکان مبتنی بر معاهدات حقوق بشر، کارگروه‌ها، کمیته‌های فرعی و گزارشگران ویژه ارسال شده بود، اهداف این همایش مهم بیان و اعلام شده بود که این همایش به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی و به‌عنوان بخشی از روند ایجاد رهیافت اسلامی درباره اعلامیه جهانی حقوق بشر برگزار می‌شود. برای تحقق این روند، من این مسئولیت را در پاسخ به دعوت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که در جریان سخنرانی وی در اجلاس پنجاه و چهارم کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۸ مطرح شده بود، پذیرفته و اعتقاد دارم این روند به اعتلای تفاهم و احترام بین‌ملتها کمک خواهد کرد.

با توجه به همین نکته است که سند نهایی اجلاس سوم فوق‌العاده سران کنفرانس اسلامی که در روزهای ۷-۸ دسامبر ۲۰۰۵ در مکه مکرمه برگزار شد، خواستار تدوین ترتیبات منطقه‌ای و ایجاد یک رکن مستقل و دائمی برای ارتقای حقوق بشر در کشورهای عضو شده است. این سند مهم درباره نظام بین‌المللی حقوق بشر پیام روشنی دارد:

کنفرانس - دولت‌های عضو را - به بررسی امکان تأسیس یک رکن مستقل و دائمی برای ارتقای حقوق بشر در کشورهای عضو و نیز امکان تدوین منشور اسلامی حقوق بشر را مطابق با مقررات اعلامیه قاهره راجع به حقوق بشر در اسلام، در همکاری متقابل با ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی فرا می‌خواند.<sup>۲</sup>

بررسی این شواهد می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که کشورهای اسلامی نیز مانند سایر اعضای ملل متحد، می‌توانند برداشت و تفسیر خاص خود را از اسناد بین‌المللی حقوق بشر داشته

1. Human Rights: A Compilation of International Instruments. Volume II: Regional Instruments, New York/Geneva: UN, Office of the High Commissioner for Human Rights, December 1997, pp. 478-484.

2. Final Communique of the Third Extraordinary Session of the Islamic Summit Conference "Meeting the Challenges of the 21st Century, Solidarity in Action" 5-6 Dhul Qa'dah 1426H (7-8 December 2005).



باشند و این برداشت و تفسیر خود را در قالب اعلامیه‌های حق شرط بیان و سرانجام مانند دیگر مناطق جهان، اعلامیه حقوق بشر خاص منطقه خود را تصویب کرده‌اند. بنابراین، مطابق این رهیافت می‌توان اعلامیه اسلامی را سندی تکمیلی برای اعلامیه جهانی به‌شمار آورد. از این رو، به مناسبت روز حقوق بشر در دسامبر ۲۰۰۷ نماینده پاکستان در شورای حقوق بشر اعلام کرد که اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره راجع به حقوق بشر در اسلام که توسط ۵۶ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی به تصویب رسیده است بدیل و جایگزینی برای اعلامیه جهانی نخواهد بود، بلکه این اعلامیه جنبه تکمیلی دارد. او که در این رویداد مهم و تاریخی از طرف سازمان کنفرانس اسلامی سخن می‌گفت با اشاره به مشارکت کشورهای اسلامی در تدوین اعلامیه جهانی و میثاق‌های حقوق بشر اعلام کرد که اعلامیه حقوق بشر در اسلام رهیافتی رقیب و جایگزین اعلامیه جهانی نیست؛ بلکه سندی تکمیلی محسوب می‌شود که با توجه به خصوصیات فرهنگی و دینی کشورهای اسلامی تدوین شده است.<sup>۱</sup>

البته نمی‌توان انکار کرد که تعارض بین بعضی از مفاهیم موجود در اعلامیه اسلامی و اعلامیه جهانی این گمان را مطرح کرده است که کشورهای اسلامی اعلامیه حقوق بشر در اسلام را به‌عنوان بدیل و جایگزینی برای اعلامیه جهانی تصویب کرده‌اند. الیزابت مایر در این خصوص گفته است:

بررسی معمولی متن انگلیسی اعلامیه اسلامی گویای آن است که این اعلامیه از الگوی اعلامیه جهانی حقوق بشر پیروی کرده است. حال آنکه مطالعه دقیق‌تر نشان می‌دهد که بیشتر این شباهت‌ها گمراه‌کننده است. افزون بر این، در مواردی بین متن عربی و انگلیسی اختلافاتی دیده می‌شود.<sup>۲</sup>

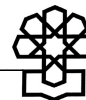
چنانچه با رویکردی نظری و فلسفی به بنیان‌های اعلامیه‌های اسلامی و جهانی بنگریم، باید اذعان کنیم که مبانی این دو اعلامیه با یکدیگر تعارضات اساسی دارند. انصاف آن است که بپذیریم اصولاً مبانی فلسفی و بنیان‌های نظری اعلامیه جهانی با رویکرد اسلامی انطباق ندارد. همچنین، می‌دانیم که اعلامیه حقوق بشر در اسلام هیچ اشاره‌ای به اعلامیه جهانی نکرده است و در مواد (۲۴) و (۲۵) با صراحت تمام اعلام می‌کند که حقوق و آزادی‌های مقرر در اعلامیه تابع شریعت اسلامی است و شریعت یگانه منبع مورد استناد برای تفسیر و تبیین هر یک از مواد اعلامیه خواهد بود.

اما این رویکرد هرگز کمکی برای حل مسئله مشروعیت نظام بین‌المللی حقوق بشر نخواهد کرد و جهان را با تعارضات بیشتری مواجه خواهد کرد. حال آنکه واقع‌گرایی ایجاب می‌کند که رویکردی

۱. بنگرید به:

Primacy of the Universal Declaration of Human Rights, available at: <http://www.iheu.org> (last visited 25/5/2008).

2. Mayer, Ann Elizabeth; Islam and Human Rights, Tradition and Politics, Boulder, Colorado: Westview Press, Pinter Publishers, London, 1991, p.27.



پراگماتیک به مسئله بنگریم و راه حلی عملی ارائه دهیم. با استناد به رویکرد واقع‌گرا می‌توان اعلام کرد که تا زمان شکل‌گیری نظام جهان‌شمول حقوق بشر، مناسب آن است که هر یک از مناطق جهان و از جمله جهان اسلام ترتیبات منطقه‌ای خاص خود را داشته باشد. زیرا، در این تحقیق دانستیم که این تعارض از آنجا سرچشمه گرفته است که کشورهای غربی و تدوین‌کنندگان نظام حقوق بشر با استفاده از موقعیت خاص خود در آن دوران و داشتن اکثریت آرا در مجمع عمومی سازمان ملل اعتنایی به جلب نظر سایر اعضای ملل متحد نداشتند. زیرا، مطمئن بودند متن اعلامیه جهانی با رأی اکثریت تصویب خواهد شد و به جای تلاش برای جلب موافقت منتقدان و مخالفان، برداشت خود از مفاهیم حقوق بشر را بر کشورهای دیگر تحمیل کردند. چنانکه تلاش‌های بی‌وقفه کشورهای سوسیالیست برای ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در متن اعلامیه جهانی ناکام ماند و با استهزای نمایندگان دولت‌های غربی مواجه شد.<sup>۱</sup>

از طرفی، تسلط رویکرد صورتگرایی در ارکان ملل متحد مانع از مقبولیت فراگیر و جهان‌شمول نظام بین‌المللی حقوق بشر شده است. بنابراین، منطق و خرد حکم می‌کند که این دو واقعیت، یعنی تعارض مبانی فلسفی دو نظام را با واقعیت دیگر، یعنی وجود تنوع فرهنگی و نیز سیطره رویکرد غربی بر گفتمان سنتی حقوق بشر، در کنار هم قرار دهیم تا فرصت برای گفت‌وگوی مثبت بین فرهنگی و تحول و تکامل نظام بین‌المللی حقوق بشر فراهم آید.

از طرفی، باید در نظر داشته باشیم که این کشورهای اروپایی بودند که نخستین اقدام را برای ایجاد ترتیبات منطقه‌ای اتخاذ کرده و با تفکیک حقوق سیاسی و مدنی از دسته‌های دیگر حقوق بشر، در راه تضعیف نظام بین‌المللی حقوق بشر گام برداشتند. از یاد نبرده‌ایم که اصرار کشورهای اروپایی و نمایندگی ایالات متحده آمریکا بود که در اندام یکپارچه این نظام شکست ایجاد کرد و در نتیجه، حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی به دو میثاق جداگانه تقسیم شد. چنانچه وجود برداشت‌های اروپایی یا آمریکایی و آفریقایی از حقوق بشر را بپذیریم، دیگر دلیلی ندارد که از ظهور برداشت اسلامی از حقوق بشر اظهار شگفتی کرده و آن را بدیلی برای نظام بین‌المللی حقوق بشر محسوب کنیم. بنابراین، امروزه اقدامات مستمر کشورهای اسلامی در باب حقوق بشر و در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی به مرحله جدیدی وارد شده و سرانجام در دسامبر ۲۰۰۷ کمال‌الدین احسان اوغلو دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی در پیامی به مناسبت روز حقوق بشر، شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای کشورهای اسلامی را به مناسبت شصتمین سالگرد اعلامیه جهانی اعلام کرد. در بخشی از این پیام آمده است:

احترام به حقوق بشر از طریق حمایت مؤثر و اعتلای برابری، آزادی‌های مدنی و عدالت

1. Official Records of the General Assembly, Plenary meeting 183rd (part I), 10 December 1948, pp. 923-933.



اجتماعی اساس برنامه عمل ده‌ساله سازمان کنفرانس اسلامی را تشکیل می‌دهد. برای این منظور، دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی تأسیس یک رکن مستقل و دائمی را برای اعتلای حقوق بشر در کشورهای عضو مطابق با اعلامیه قاهره راجع به حقوق بشر در اسلام و نیز تبیین منشور سازمان کنفرانس اسلامی راجع به حقوق بشر را مد نظر قرار داده است.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲. استراتژی استحاله

درخصوص طرح‌های حقوق بشر اسلامی مسائل چندی در خور توجه است. از نظر منطقی این امکان وجود دارد که جهان اسلام نیز بتواند مانند سایر مناطق جهان ترتیبات منطقه‌ای خاص خود را داشته باشد. اندیشه اسلامی معاصر می‌تواند نظامی را طراحی و ایجاد کند که بر مبانی فلسفی و اخلاقی متفاوتی مبتنی باشد و نتایج و دستاوردهای مختلفی را ارائه کند. تدوین‌کنندگان این اعلامیه‌ها با انتقاد از اعلامیه جهانی آن را سندی موضوعه می‌دانند که فاقد هرگونه مبانی فلسفی است. حال آنکه حقوق بشر در اعلامیه اسلامی بر مبانی روشن و حقیقی استوار شده است. در مقدمه اعلامیه حقوق بشر در اسلام می‌خوانیم:

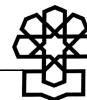
دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمت‌ها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفرید و به او کرامت داد و وی را خلیفه خود در زمین گرداند، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را برعهده بشر گذارده و امانت تکالیف الهی را بر گردن او نهاده و آنچه در آسمان‌ها و زمین است همگی را تحت تصرف وی قرار داد.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان اعلامیه‌های اسلامی حقوق بشر با انتقاد از روند شکل‌گیری نظام بین‌المللی حقوق بشر، اعتقاد دارند که اعلامیه جهانی به‌عنوان سند بنیادین این نظام از مبانی فلسفی و نظری حقوق طبیعی که در اندیشه‌های فیلسوفان عصر روشنگری مطرح شده بود، منقطع شده و این سند مهم را در حد حقوق وضعی تنزل داده است. بنابراین، اعلامیه جهانی که براساس اراده مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایجاد شده، از مبانی و پیشینه خود گسسته و از اعتبار آن کاسته شده است. حال آنکه، حقوق بشر در اسلام بر بنیان‌های واقعی استوار است:

حقوق بشر در اسلام جایزه یک پادشاه یا حاکم یا بیانیه صادره شده از قدرت منطقه‌ای یا سازمان بین‌المللی نیست؛ بلکه به حکم الهی بودن منبع آن، الزام‌آور است و امکان لغو، نسخ و

1. Message of the Secretary General on the Occasion of the Human Rights Day, Organization of the Islamic Conference, on December 10, 2007 available at: [http://www.oic-oci.org/oicnew/topic\\_detail.asp?\\_id=708](http://www.oic-oci.org/oicnew/topic_detail.asp?_id=708).

۲. برای آگاهی از متن فارسی اعلامیه حقوق بشر در اسلام بنگرید به: <http://www.unic-ir.org/hr/declaration-islamic.htm> (last visited on 15/09/2008).



تعطیل آن وجود ندارد و کسی اجازه تجاوز به حریم آن یا بی‌توجهی و اهمال در حق آن را ندارد.<sup>۱</sup> راشد الغنوشی معتقد است که اختلاف اساسی بر سر مفاهیم و واژگان نیست، بلکه اختلاف در بنیان‌های فلسفی و اهداف آن است. اعلامیه جهانی فاقد مبانی نظری مشخصی است و این امر حقوق را از عمق و غایت‌گرایی و انگیزه‌های قوی برای التزام به آن محروم می‌کند. اما حقوق بشر در اسلام از یک اصل اعتقادی اسلامی سرچشمه می‌گیرد و آن اینکه انسان در وجود خود حامل کرامت الهی و جانشین خداوند در جهان است و این امر برای او حقوقی را به دنبال دارد که هیچ کس نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد.<sup>۲</sup>

در نتیجه، اسلام چهارده قرن پیش به حقوق بشر توجه کرده و هر انسانی را از هر جنسیت، دین و ملیت دارای کرامت دانسته است.<sup>۳</sup> آنچه که غربیان آن را حق می‌دانند، اسلام آن را واجب و تکلیف به‌شمار می‌آورد و البته واضح است که این امر مطمئن‌تر و قابل اعتمادتر است؛ زیرا انسان می‌تواند از حق خود دست بردارد، اما بر او لازم است که به واجباتی که خداوند بر او فرض کرده است التزام داشته باشد، آنها را رعایت کند و در ادای آنها کوتاهی نکند.<sup>۴</sup> محمد عماره نیز معتقد است که اسلام در زمینه ایمان به انسان و تقدیس حقوق او به منزلتی رسیده است که از مرتبه «حقوق» گذشته و این حقوق را «ضرورت» دانسته و آن را در چارچوب واجبات قرار داده است.<sup>۵</sup>

*اعلامیه حقوق بشر در اسلام مفاهیمی کاملاً بدیع از قبیل مسئولیت، معنویت، خانواده و شریعت را به قلمرو حقوق بشر وارد کرده است. افزون بر این مفاهیم بدیع، اعلامیه اسلامی می‌کوشد مفاهیم حقوق بشر را از زیر بار سنگین فردیت و لیبرالیسم غربی رهایی بخشد و مهم‌تر آنکه از هرگونه اشاره‌ای به اعلامیه جهانی اجتناب ورزیده است. در بند «الف» ماده (۱) از کرامت و مسئولیت برابر انسان‌ها سخن گفته است:*

بشر به‌طور کلی یک خانواده هستند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آنها را گرد آورده و همه مردم در اصل کرامت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیر آن.

این اعلامیه شریعت اسلامی را به‌عنوان یگانه منبع مورد استناد کشورهای اسلامی در زمینه حمایت از حقوق بشر معرفی و در نتیجه، برتری مطلق آن را بر اعلامیه جهانی اعلام کرده است. در مقدمه اعلامیه حقوق بشر در اسلام آمده است که این اعلامیه به‌عنوان راهنمای کلی برای دولت‌های

۱. محمد الغزالی، حقوق الانسان بين تعاليم الاسلام و اعلان الامم المتحدة، الطبعة الثالثة، دارالكتب الاسلاميه، القاهرة، ۱۹۸۴، ص ۲۳.

۲. راشد الغنوشی، الحريات العامه في الدوله الاسلاميه، مركز دراسات الوحده العربيه، بيروت، ۱۹۹۶، ص ۲۳۰.

۳. يوسف القرضاوى، حقوق الاقليات غير المسلمه، التوحيد، العدد ۸۴، ص ۱۳.

۴. يوسف القرضاوى، خطب الشيخ القرضاوى، ج ۲، مكتبه وهبه، القاهرة، ۱۹۹۸، ص ۱۸۶.

۵. محمد عماره، الاسلام و حقوق الانسان: ضرورات، لاحقوق، دارالشروق، القاهرة-بيروت، ۱۹۸۹، صص ۱۳-۱۷.



عضو سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه حقوق بشر خواهد بود و دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با تأکید بر نقش تاریخی و تمدنی امت اسلامی و با استناد به اینکه خداوند آنان را بهترین امت قرار داده است، تمدنی جهانی و متوازن به بشریت تقدیم کرده است.

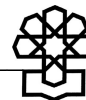
با توجه به این نکات است که بسیاری از متفکران نوگرا و نویسندگان غربی از تدوین اعلامیه‌های حقوق بشر اسلامی انتقاد کرده و آن را فروکاستن از قدر و منزلت حقوق بشر می‌دانند. الیزابت مایر یکی از حقوق‌دانان غربی است که در آثار متعدد خود به تفصیل به انتقاد از رهیافت‌های اسلامی حقوق بشر پرداخته است. وی عقیده دارد که برای فهم مشکلات و مسائل حقوق بشر در چارچوب طرح‌های اسلامی باید به تحول تاریخی حقوق بشر اشاره کرد. زیرا، اصول و قواعد حقوق بشر بین‌المللی پدیده‌ای نوین است که از غرب سرچشمه گرفته و در مبانی فکری و فلسفی اندیشه‌های یونان باستان ریشه دارد. از این رو، تدوین اصول و معیارهای حقوق بشر در دوره‌های اخیر و براساس اندیشه‌های عقلانی و اومانستی صورت گرفته و به تکامل مبانی فکری و نظری حقوق بشر در عصر روشنایی اروپا انجامیده است. این اندیشه نقطه عطفی در تاریخ فلسفه سیاسی به‌شمار می‌رود، زیرا نظریه‌های سنتی و گذشته درباره تکالیف بشر در قبال خداوند را کنار نهاده و حقوق بشر را در مرکز نظریه سیاسی جای داده است. بنابراین، اندیشه حقوق بشر بر این مبانی فکری استوار شده و نمی‌توان آن را از این بنیان‌های نظری و مبانی فلسفی جدا کرد.<sup>۱</sup>

متفکران انگلیسی و فرانسوی قرن هیجدهم مایه‌های فکری حقوق بشر را مطرح و تأثیر شگرفی در تدوین اعلامیه‌های ویرجینیا و استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و نیز منشور حقوق پیوست به قانون اساسی ۱۷۹۱ آمریکا داشتند. در بین اندیشه‌های این فیلسوفان یک موضوع مشترک دیده می‌شود و آن تأکید بر حقوق فرد در نظام سیاسی است. نقطه عطف در تحول این اندیشه در جایی ظاهر می‌شود که در نظام سیاسی دغدغه قانون جای خود را به دغدغه حقوق می‌دهد و حقوق فردی از قاعده جامعه بر می‌آید و به‌سوی بالا ره می‌سپارد. به همین علت است که این حقوق در قانون اساسی به‌صورت حقوق منفی تدوین شده تا از حقوق فردی در مقابل مداخله دولت حمایت کند. نظام بین‌المللی حقوق بشر در قرن بیستم براساس این سنت‌های غربی مبتنی بر فردگرایی، عقلانیت، اومانیسیم و اصول حقوق فردی شکل گرفته است. بنابراین، نمی‌توان این مبانی را طرد کرد و درعین حال، حقوق بشر را پذیرفت.<sup>۲</sup> نویسندگانی که زحمت تدوین اعلامیه‌های اسلامی حقوق بشر را بر خود هموار ساخته‌اند، نمی‌خواهند به صراحت اعلام کنند که پیروی از معیارهای اسلامی به‌منزله ترک قواعد حقوق بین‌الملل است.<sup>۳</sup>

1. Mayer, Ann Elizabeth; Islam and Human Rights, Tradition and Politics, op. cit. p. 43

2. Ibid

3. Ibid. p. 198.



با توجه به همین نکات بود که آداما دینگ دبیر کل مسلمان کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان در فوریه ۱۹۹۲ خطرات تصویب اعلامیه اسلامی را یادآوری و تأکید کرد که این اعلامیه تهدیدی برای اجماع بین فرهنگی محسوب می‌شود که مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> بسام طیبی نیز اعتقاد دارد که مسلمانانی که حقوق بشر را به‌عنوان محصولی غربی مردود می‌دانند و آنان که در پی طرح‌های حقوق بشر اسلامی هستند، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، زیرا هر دو گروه در نهایت محتوای و ماهیت حقوق بشر را نپذیرفته‌اند.<sup>۲</sup> چنانچه مسلمانان بخواهند معیارهای بین‌المللی حقوق بشر را از صمیم قلب بپذیرند، لازم است به اصلاحات دینی و فرهنگی در اسلام نه به‌عنوان یک دین، بلکه به مثابه نظام حقوقی و فرهنگی نائل شوند. حقیقت آن است که اسلام یک سیستم فرهنگی متمایزی است که جماعت در محور جهان‌بینی آن قرار گرفته است و نه فرد. حال آنکه اندیشه حقوق بشر به تعبیر درست الیزابت مایر، فرد محور است و ادعای جزء علیه کل - فرد علیه ساختار سیاسی - را مطرح می‌کند. در دکتترین اسلامی فرد عضوی از جماعت مؤمنان و امت اسلامی محسوب می‌شود. افزون بر این، حقوق با تکالیف یکی نیستند و در اندیشه اسلامی نمی‌توان از حقوق فردی سخن گفت، بلکه تکالیف فرد در قبال امت مطرح می‌شود.<sup>۳</sup>

این نویسندگان عقیده دارند که جهان جدید جهان حقدار است؛ در تقابل با جهان پیشین که جهان تکلیف مدار بوده است. در گذشته آدمیان به محض آگاهی از خویشتن می‌پرسیدند که تکالیف ما چیست و مسئولیت‌های ما کدام است؟ اما در جهان جدید و پس از تولد انسان مدرن، آن پرسش کهن جای خود را به پرسش تازه‌ای داده است: ما از چه حقوقی برخورداریم؟<sup>۴</sup> افزون بر این، اندیشه حقوق بشر بر برابری انسان‌ها استوار شده و در شریعت اسلامی احکام چندی بر نابرابری حکم کرده است:

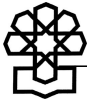
می‌خواهیم ببینیم آیا بین حقوق بشر و تکالیف دینی تعارضی وجود دارد و اگر زمانی این تعارض آشکار شد، چه باید کرد؟ در اینکه بین حقوق بشر موجود و تکالیف دینی، به‌ویژه تکالیف فقهی در قرائت کنونی، تعارض‌های بسیار وجود دارد، جای تردید نیست: عدم تساوی در حقوق بین زن و مرد، عدم تساوی در حقوق بین مسلمان و غیرمسلمان، عدم تساوی در حقوق بین برده و ارباب، یعنی عبد و مولا، جزء مسلمات فقه اسلامی است و شیعه و سنی هم ندارد. این سه عدم تساوی منافای با حقوق بشر قلمداد می‌شود. تفاوت‌ها، تناقض‌ها و تعارض‌های جدی بین حقوق بشر

1. Press Release (Geneva, 5 December 1991). E.CN.4/1992/SR.20 paras. 1720

2. Tibi, Bassam; Islamic Law/Shari'a, Human Rights, Universal Morality and International Relations, Vol.16, Human Rights Quarterly, 1994, p. 287.

3. Ibid. P. 289.

۴. سروش عبدالکریم، آیین شهریاری و دینداری، چ دوم، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷.



اسلامی و حقوق بشر جهانی وجود دارد.<sup>۱</sup>

محمد ارغون با اشاره اعلامیه اسلامی ۱۹۸۱ مصوب یونسکو اعتقاد دارد که این اعلامیه در بیشتر موارد از اعلامیه حقوق انسان و شهروند فرانسه تقلید کرده است. به نظر می‌رسد لحن و بیان مقدمه و چارچوب کلی اعلامیه با اوضاع کنونی جهان اسلام و جدال آن بر ضد غرب تناسب دارد. آنان قرآن را تفسیر می‌کنند و در توازی با حقوق بشر اروپایی و غربی آن را به صورتی به‌کار می‌گیرند که با نیاز این جوامع برای تدوین حقوق بشر اسلامی تناسب داشته باشد. البته این‌گونه تمایل به اثبات وجود خویشتن و ریشه دواندن در بستر اصالت و سنت با توجه به شرایط جدلانگیز و آکنده از چالش جهان معاصر قابل فهم است.<sup>۲</sup>

بنابراین، تدوین‌کنندگان اعلامیه ادعا می‌کنند که حقوق بشر به مفهوم جدید و متعارف آن، صدها سال پیش در اسلام به صورت کامل وجود داشته است. اسلام چهارده قرن پیش یک قانون عالی و بی‌مانند را درباره حقوق بشر ارائه کرده و این حقوق ریشه در این اعتقاد راسخ دارد که تنها خداوند عزّ و جلّ پدیدآورنده حقوق و اصل و اساس هرگونه حقوق بشر است. در نتیجه، بسیاری از مفاهیم و ارزش‌های مدرن را بر فضای متن قرآنی تحمیل می‌کنند و به این وسیله بیش از آنکه به جنبه دینی شخص بشری که جوهر رسالت قرآنی و روح آن را تشکیل می‌دهد، نزدیک شوند، به زبان اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق بشر و شهروند و اعلامیه جهانی ۱۹۴۸ نزدیک می‌شوند.<sup>۳</sup>

بسیار بعید است که تدوین‌کنندگان اعلامیه‌های اسلامی از مبانی و مفاهیم مندرج در آنها با مفاهیم اعلامیه جهانی آگاهی نداشته باشند. گویا کشورهایی که در ابتدا در اندیشه رد و انکار حقوق بشر برآمده و به جابه‌جایی آن با طرح‌های اسلامی می‌اندیشیدند، سرانجام با پذیرش حقوق بشر و تصرف در مفاهیم آن استراتژی خود را تغییر داده و بر آن شدند که این مفاهیم را استحاله کنند.

### ۳. راهکارهای پیشنهادی

بسیاری از نویسندگان غربی گفتمان حقوق بشر در جهان اسلام را در انگاره‌ای دو قطبی محصور کرده و در نگاه آنان، مسلمانان اعم از متفکران و سیاست‌مداران به دو دسته تقسیم می‌شوند: یا طرفدار آموزه‌ها و مفاهیم حقوق بشر هستند یا حامیان رژیم‌های دیکتاتور، فرض سومی وجود

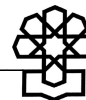
۱. همان، ص ۱۵۲.

۲. محمد ارغون، الفکر الاسلامی: نقد و اجتهاد، ترجمه و تعلیق هاشم صالح، الطبعة الثالثة، دارالساقی، بیروت، ۱۹۹۸، صص ۳۰۹ - ۳۳۵.

۳. همان، ص ۳۱۵.

۲. همان، صص ۳۱۴ - ۳۱۵.

۳. همان، صص ۳۱۹ - ۳۲۰.



ندارد. برای مثال، الیزابت مایر در این زمینه می‌کوشد با ساده انگاشتن مسئله، مسائل حقوق بشر در جهان اسلام را در قالب معمای دو گزینه‌ای حل و فصل کرده و در فضای ذهنی آنان گزینه دیگری قابل تصور نیست:

چنین ادعایی تنها از سوی دولت‌های کشورهای اسلامی عنوان می‌شود، در حالی که مخالفان این دولت‌ها از الگوی فرهنگی غرب و معیارهای بین‌المللی حقوق بشر هواداری می‌کنند. بنابراین، جهان اسلام در زمینه حقوق بشر صدای واحدی ندارد و آنچه در مخالفت با جنبش حقوق بشر شنیده می‌شود، در واقع گفتمان دولت‌های مسلمانی است که می‌خواهند در لوای دفاع از فرهنگ اسلامی، نقض قواعد حقوق بشر را توجیه کنند.<sup>۱</sup>

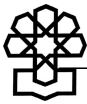
بررسی اجمالی فصلنامه‌های علمی و دانشگاهی غربی به‌خوبی نشان می‌دهد که بسیاری از متفکران و نویسندگان غربی توجیه‌گر سیاست‌های دولت خود هستند و قادر نیستند خود را از سیاست دولتی یا فضای سیاسی حاکم بر رسانه‌های غربی آزاد کنند. به همین علت، نمی‌توانند تصور کنند که متفکران در سایر مناطق جهان، افکار و اندیشه‌هایی مستقل از سیاست دولتی داشته باشند. وی تأکید می‌کند که مخالفت با آموزه‌های حقوق بشر صرفاً دلایل سیاسی دارد و خاص دولت‌هایی است که سیاست‌های سرکوبگرانه دارند:

بسیاری از کشورهای اسلامی به‌خاطر نقض جدی و آشکار حقوق بشر مقصرند. بنابراین، مصالح سیاسی آنها ایجاب می‌کند که توجیهاتی برای عدم امکان اجرای قواعد بین‌المللی حقوق بشر بیابند. نظام‌های ستیزه‌جویی اسلامی عمدتاً سیاست‌های سرکوبگرانه‌ای را اجرا می‌کنند، اما این رژیم‌ها نماینده اراده ملت‌های مسلمان نیستند.<sup>۲</sup>

با توجه به چنین مطالبی است که نویسنده در تحقیق حاضر کوشیده است امکان ارائه گزینه‌های دیگری را بررسی کرده و نشان دهد که مخالفت با گفتمان غربی حقوق بشر و انتقاد از کاربست ابزاری آن به ضرورت (بالضروره) به‌معنای حمایت از رژیم‌های سرکوبگر و توجیه نقض مقررات آن نخواهد بود. زیرا از نظر منطقی این امکان وجود دارد که هم با نقض حقوق بشر مخالفت کرد و هم دیدگاه و رویکردی متفاوت با تفسیرهای غربیان را در باب حقوق بشر تصور کرد. بنابراین، با توجه به همین نکته پیشنهادات خود را که بیش‌تر جنبه کاربردی دارند، به اختصار در چند بند مطرح می‌کند:

1. Mayer, Ann Elizabeth, Universal Versus Islamic Human Rights: A Clash of Cultures or A Clash with a Construct? Vol.15, Michigan Journal of International Law, 1993-1994 pp 308-309.

2. Ibid. p.373.



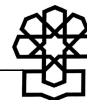
### ۳-۱. ایجاد ترتیبات منطقه‌ای

اینک که اعلامیه حقوق بشر در اسلام از سوی ارکان سازمان ملل به‌عنوان یکی از اسناد منطقه‌ای پذیرفته شده است، پیشنهاد می‌شود کشورهای اسلامی از طریق سازمان کنفرانس اسلامی اقدامات لازم را برای ایجاد ترتیبات منطقه‌ای مؤثر برای نظارت بر وضعیت اجرای مقررات آن به انجام رسانند. ایجاد ترتیبات منطقه‌ای کارآمد اثبات خواهد کرد که مخالفت با دیدگاه‌های غربی و اعلام حق شرط بر معاهدات حقوق بشر، دستاویزی برای نقض مقررات بین‌المللی نیست. پیش از این اشاره کردیم که به مناسبت شصتمین سالگرد صدور اعلامیه جهانی، دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی از شکل‌گیری و ایجاد این ترتیبات منطقه‌ای در سال ۲۰۰۸ سخن گفته بود. چنانچه این ترتیبات در زمان مقرر و به‌صورتی کارآمد ایجاد شود، هم برای اعتلا و اجرای حقوق بشر سودمند است و هم از دخالت‌های غیر قابل قبول و کاربست ابزارهای حقوق بشر جلوگیری خواهد شد.

### ۳-۲. ایجاد رکن مشورتی

پیشنهاد می‌شود تا زمان اجرایی شدن ترتیبات منطقه‌ای، کشورهای اسلامی درخصوص الحاق و پیوستن یا تصویب معاهدات حقوق بشر از طریق سازمان کنفرانس اسلامی به‌صورتی منسجم و هماهنگ اقدام کنند. برای مثال، لازم است درباره اعلام حق شرط یا پاسخ به اعتراض شماری از کشورهای اروپایی به حق شرط کشورهای اسلامی با رویه‌ای یکسان اقدام شود. همان‌طور که در فصل راجع به حق شرط بیان شد، بسیاری از کشورهای اروپایی به‌صورتی سازمان یافته و هماهنگ اعتراض‌های مشابهی را درباره اعلامیه‌های حق شرط کشورهای اسلامی وارد می‌کنند. متأسفانه، کشورهای اسلامی هیچ‌گونه پاسخی به این اعتراض‌ها نداده و با سکوت خود اعتراض آنها را پذیرفته‌اند.

همچنین، پیشنهاد می‌شود کشورهای اسلامی از طریق سازمان کنفرانس اسلامی درباره نحوه رفتار با ارکان مختلف نظام بین‌المللی حقوق بشر اعم از ارکان مبتنی بر منشور و ارکان مبتنی بر معاهدات، انسجام و هماهنگی لازم را داشته باشند. پیش از این به واکنش بعضی از کشورهای غربی به ایضاح کلی شماره ۲۴ کمیته حقوق بشر درخصوص حق شرط‌های مغایر با هدف و موضوع معاهدات حقوق بشر اشاره کردیم. متأسفانه، هیچ یک از کشورهای اسلامی در قبال این نظر کمیته از خود واکنشی نشان نداده‌اند. بنابراین، اگر لازم است تصمیمی درباره پس گرفتن یا حفظ حق شرط‌های کلی اتخاذ شود، مناسب است این اقدام به‌صورتی هماهنگ و منسجم انجام پذیرد. چنانکه، شایسته است در خصوص اعلام حق شرط‌های خاص نیز از طریق سازمان کنفرانس اسلامی مطالعات و بررسی‌های مقتضی انجام و به دولت‌های عضو مشورت داده شود. برای عملیاتی شدن این امر مناسب آن است که



در سازمان کنفرانس اسلامی یک رکن مشورتی تأسیس شود تا در صورت لزوم برای پیوستن و الحاق به معاهدات حقوق بشر یا وارد ساختن حق شرط بر آنها یا پس گرفتن آن، به کشورهای عضو نظر مشورتی داده و در این خصوص رویه‌ای یکسان را به وجود آورد.

### ۳-۳. اجتناب از توسعه‌گرایی

شواهدی نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی نیز مانند سایر مناطق جهان درصدد هستند برای اعتلای حقوق بشر در کشورهای خود و اجرای مقررات آن به تقلید از الگوی سازمان ملل متحد و اسناد بین‌المللی، اسناد مشابهی را تنظیم و تصویب کنند. اعلامیه حقوق بشر در اسلام و منشور حقوق کودک و نیز اقدام برای تدوین و تصویب منشور حقوق زن مسلمان از جمله این اقدامات است. هر چند تلاش برای ارائه تفسیری از معاهدات حقوق بشر که با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی کشورهای عضو منطبق باشد، زمینه را برای پذیرش و اجرای مقررات حقوق بشر در این کشورها تسهیل می‌کند، اما باید در این راه با حزم و احتیاط کامل قدم برداشت.

تجربه توسعه حقوق بشر توسط سازمان ملل باید به ما آموخته باشد که باید هماهنگ با تکثیر اسناد مختلف و تورم قواعد آن، اقدامات لازم برای تحکیم و اجرای این معاهدات را فراهم ساخت. بنابراین، شایسته است همراه با اقدامات و ابتکارات مختلف برای تدوین و تنظیم اسناد مشابه، گامی هم برای اجرایی شدن این اسناد و ایجاد ترتیبات مؤثر منطقه‌ای برداشته شود. کوتاهی در این امر و طفره رفتن از اقدامات عملی به معنای تأیید ادعاهای غربیان است. شاید لازم باشد که برای عملی شدن این وعده‌ها فقط در انتظار اقدام دولت‌ها نماند و نهادهای مدنی و سازمان‌ها و انجمن‌های دینی نیز به این عرصه وارد شوند و وظیفه و رسالت خود را به انجام رسانند.

### ۳-۴. آمادگی نرم‌افزاری

این نویسنده اعتقاد دارد با وجود امتیازات بسیار اعلامیه ۱۹۹۱ حقوق بشر در اسلام، تدوین‌کنندگان اعلامیه نتوانسته‌اند خود را از تأثیرات اعلامیه جهانی و آموزه‌های سنتی آن رها کنند. حال که نشانه‌هایی از شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در جهان اسلام در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی به ظهور رسیده است، پیشنهاد می‌شود که دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی و پژوهشی کشورهای اسلامی به مناسبت شصتمین سالگرد صدور اعلامیه جهانی، همایش‌هایی را به منظور بررسی مبانی نظری این گفتمان در جهان اسلام برگزار کرده و با شناسایی چالش‌ها و راهکارها زمینه را برای ایجاد سازوکارهایی مؤثر و کارآمد برای ارتقا و اعتلای حقوق بشر و شکل‌گیری نظام اسلامی حقوق بشر فراهم آورند.

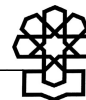


## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که هر چند در دوران شکل‌گیری و تدوین نظام بین‌المللی حقوق بشر کشورهای اسلامی به هویت فرهنگی مستقل و متفاوت خود پی نبرده و به علت فضای سیاسی حاکم بر جامعه بین‌المللی از پیش گرفتن راه مخصوص و مشی مستقل خود باز ماندند. اما این فرضیه در دوران توسعه و تحول و تکامل نظام بین‌المللی حقوق بشر صادق نیست؛ زیرا در این دوران بسیاری از کشورهای اسلامی توانستند خود را از یوغ استعمار کشورهای اروپایی رها کرده و همراه با سایر کشورهای اسلامی به هویت مستقل و منافع خاص خود پی برده و برای خود جایگاهی در جامعه بین‌المللی ایجاد کنند. در این دوران کشورهای اسلامی همگام با سایر هویت‌های فرهنگی و تمدنی توانسته‌اند در شالوده نظام موجود حقوق بشر شکست ایجاد کرده و مشروعیت آن را با تردیدهای جدی مواجه و در تحول و تکامل آن به سوی نظامی مبتنی بر پلورالیسم فرهنگی و متشکل از رهیافت‌های متنوع و مختلف نقش مهم و مؤثری داشته‌اند، برآیند. بنابراین، کشورهای اسلامی در شکل‌گیری و تدوین نظام بین‌المللی موجود حقوق بشر مشارکتی مؤثر نداشته‌اند؛ اما با جدیت و مقاومت خود توانسته‌اند در تحول و تکامل آن اثرگذار بوده و در تعیین راه و مسیر آینده این نظام سهمی در خور شأن و منزلت خود داشته باشند.

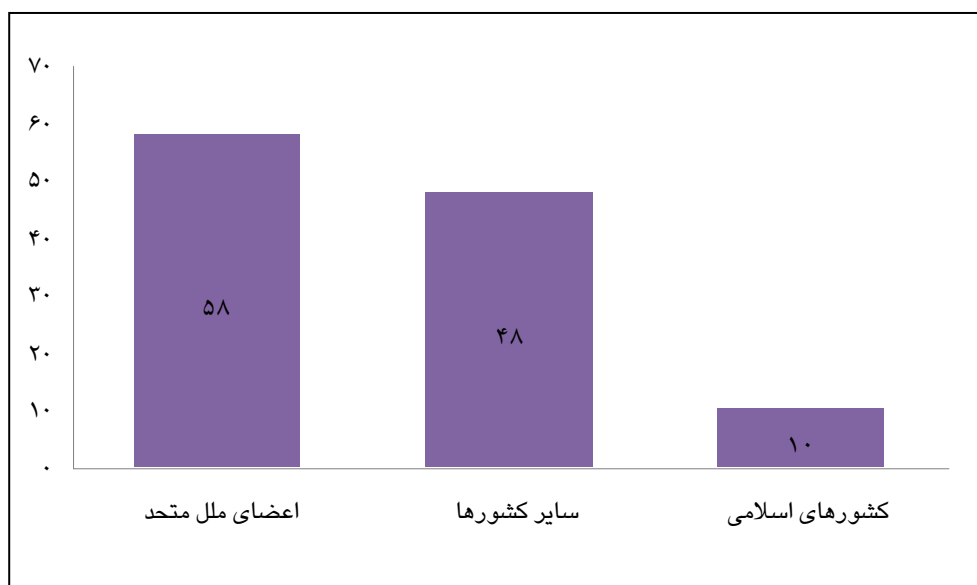
اینک که اعلامیه حقوق بشر در اسلام از سوی ارکان سازمان ملل به‌عنوان یکی از اسناد منطقه‌ای پذیرفته شده است، ضرورت دارد کشورهای اسلامی از طریق سازمان کنفرانس اسلامی اقدامات لازم را برای ایجاد ترتیبات منطقه‌ای مؤثر برای نظارت بر وضعیت اجرای مقررات حقوق بشر به انجام رسانند. ایجاد ترتیبات منطقه‌ای کارآمد اثبات خواهد کرد که مخالفت با دیدگاه‌های غربی و اعلام حق شرط بر معاهدات حقوق بشر، هرگز دستاویزی برای نقض مقررات بین‌المللی نبوده است. دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی به مناسبت شصتمین سالگرد صدور اعلامیه جهانی، از شکل‌گیری و ایجاد این ترتیبات منطقه‌ای در سال ۲۰۰۸ سخن گفته است. همچنین، براساس یادداشت تفاهمی که در سال ۲۰۰۶ بین سازمان کنفرانس اسلامی و کمیساریای عالی حقوق بشر به امضا رسیده است، دوطرف برای تدوین منشور حقوق بشر کنفرانس اسلامی همکاری خواهند کرد. چنانچه این ترتیبات در زمان مقرر و به‌صورتی کارآمد ایجاد شود، هم برای اعتلا و اجرای حقوق بشر سودمند است و هم از دخالت‌های غیر قابل قبول و کاربست ابزاری حقوق بشر جلوگیری خواهد شد.

چشم‌انداز جدید سازمان کنفرانس اسلامی به وزیران خارجه کشورهای عضو به‌عنوان مهم‌ترین رکن ناظر بر اجرای تصمیمات این سازمان، مأموریت داده است موضوع تدوین منشور حقوق بشر را مد نظر قرار دهند. همچنین اجلاس وزیران خارجه امکان ایجاد کمیسیون دائمی حقوق

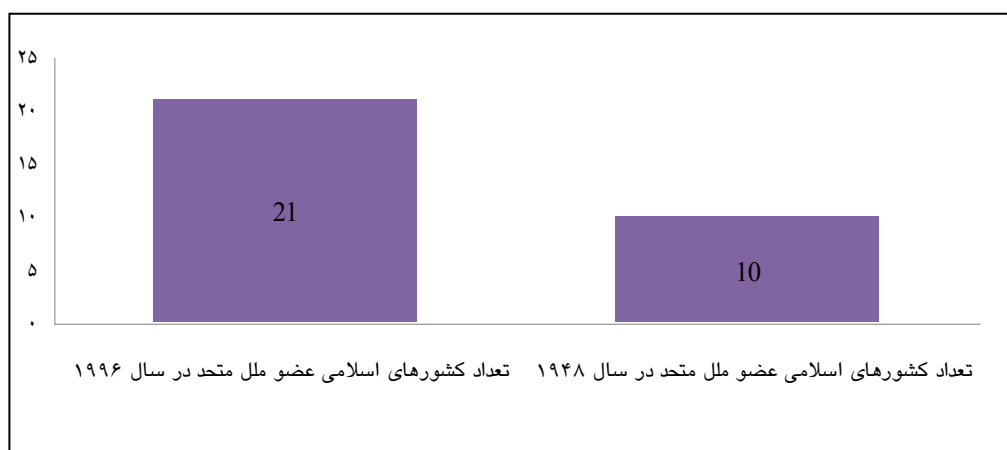


بشر را در کنفرانس اسلامی به‌عنوان یک رکن دائمی و مستقل برای اعتلای حقوق بشر مطابق اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام بررسی خواهند کرد. این نویسنده اعتقاد دارد با وجود امتیازات بسیار اعلامیه ۱۹۹۱ حقوق بشر در اسلام، تدوین‌کنندگان اعلامیه نتوانسته‌اند خود را از تأثیرات اعلامیه جهانی و آموزه‌های سنتی آن رها کنند. حال که سازمان کنفرانس اسلامی درصدد تدوین منشور حقوق بشر و ایجاد ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در جهان اسلام است، لازم است با شناسایی چالش‌ها و نارسایی‌های نظام موجود و بررسی عوامل ناکارآمدی آن راه را برای شکل‌گیری و تدوین منشور حقوق بشر اسلامی هموار ساخته و برای ارتقا و اعتلای حقوق بشر در جهان اسلام سازوکارهایی مؤثر و کارآمد فراهم آورد.

نمودار ۱. نسبت کشورهای اسلامی به کل اعضای ملل متحد



نمودار ۲. مقایسه تعداد کشورهای اسلامی و کل اعضای ملل متحد





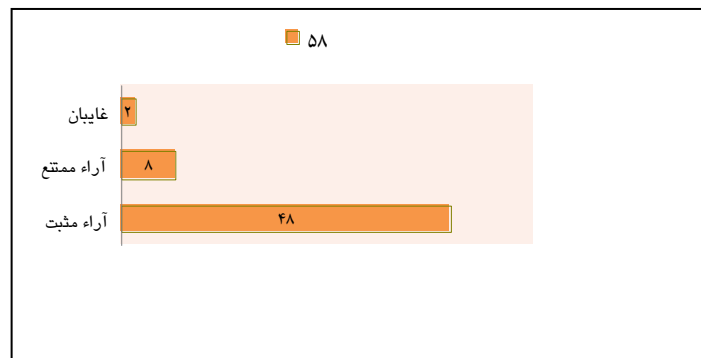
## کشورهای اسلامی

ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، لبنان، مصر و یمن.

## سایر کشورها

آرژانتین، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، اتیوپی، استرالیا، اروگوئه، آفریقای جنوبی، اکوادور، السالوادور، اوکراین، ایسلند، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، بلژیک، بولیوی، برزیل، برمه، بلاروس، پاناما، پاراگوئه، پرو، تایلند، چکسلواکی، چین، دانمارک، جمهوری دومینکن، سوئد، شیلی، فرانسه، فیلیپین، کانادا، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، گواتمالا، لهستان، لیبیا، لوکزامبورگ، مکزیک، نیوزیلند، نیکاراگوئه، نروژ، هائیتی، هندوستان، هندوراس، هلند، ونزوئلا، یوگسلاوی و یونان.

نمودار ۳. وضعیت آرای کشورهای عضو ملل متحد در تصویب اعلامیه جهانی

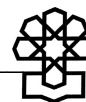


## آرای مثبت

آرژانتین، اتیوپی، افغانستان، استرالیا، اروگوئه، اکوادور، السالوادور، ایران، ایسلند، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، بلژیک، بولیوی، برزیل، برمه، پاکستان، پاناما، پاراگوئه، پرو، ترکیه، تایلند، چین، دانمارک، جمهوری دومینکن، سوئد، سوریه، شیلی، فرانسه، فیلیپین، عراق، کانادا، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، گواتمالا، لبنان، لیبیا، لوکزامبورگ، مصر، مکزیک، نیوزیلند، نیکاراگوئه، نروژ، هائیتی، هندوستان، هلند، ونزوئلا و یونان.

## آرای ممتنع

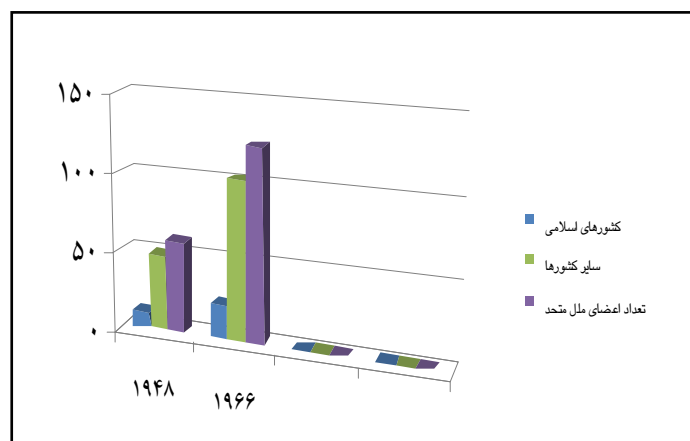
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بلاروس، چکسلواکی، لهستان، اوکراین، یوگسلاوی، آفریقای جنوبی و عربستان سعودی.



## غایبان

یمن و هندوراس.

نمودار ۴. نسبت کشورهای اسلامی و سایر کشورهای عضو سازمان ملل

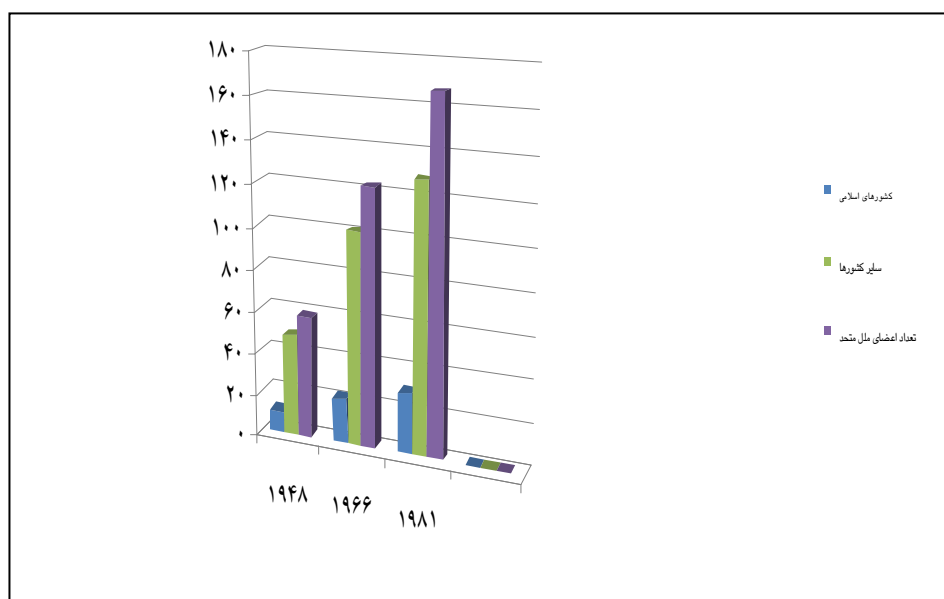


کشورهای مسلمان که در این دوران به عضویت سازمان ملل درآمدند، عبارتند از:

لیبی (۱۴ دسامبر ۱۹۵۵)، مراکش (۱۲ نوامبر ۱۹۵۶)، سودان (۱۲ نوامبر ۱۹۵۶)، تونس (۱۲ نوامبر ۱۹۵۶)، سنگال (۲۸ سپتامبر ۱۹۶۰)، کویت (۱۴ مه ۱۹۶۳)، نیجر (۲۰ سپتامبر ۱۹۶۰)، سومالی (۲۰ سپتامبر ۱۹۶۰)، چاد (۲۰ سپتامبر ۱۹۶۰)، مالی (۲۸ سپتامبر ۱۹۶۰)، مالدیو (۲۱ سپتامبر ۱۹۶۵). بنگرید به:

<http://www.un.org/members/growth.shtml> (Last visited 23/11/2004).

نمودار ۵. مقایسه تعداد کشورهای اسلامی عضو سازمان ملل و سایر کشورها





شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۴۰۲

عنوان گزارش: استراتژی کشورهای اسلامی در گفت‌وگو حقوق بشر

**Report Title:** Islamic Countries Strategy in Human Right Discourse

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: محمدحسین مظفری

ناظر علمی: ابوذر گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. کشورهای اسلامی (Islamic Countries)

۲. حقوق بشر (Human Right)

۳. اعلامیه حقوق بشر (Declaration of Human Right)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰